



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

پڑوہشی تازه دربارہ

# حدیث شریف کساء



رضا قربانیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء

نویسنده:

رضا قربانیان

ناشر چاپی:

هستی نما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	اشاره
۱۵	سند حدیث کساء و دلایل وثاقت آن
۱۸	قاعده «تسامح در ادله سنن و اخبار من بلغ»
۱۸	نقل مفاد و محتوای حدیث کساء در سایر روایات
۱۹	مضامین عالی حدیث کساء و انطباق آن با آیات و روایات
۲۰	مفهوم «کساء» (وجه تسمیه)
۲۱	علت تکرار کلمه «کساء»
۲۲	محور اصلی حدیث کساء
۲۵	عناوین و نامهای حضرت زهرا علیهاالسلام در حدیث کساء
۲۵	فاطمه علیهاالسلام
۲۷	زهرا علیهاالسلام
۲۷	بنت رسول الله صلی الله علیه و آله
۳۱	فضایل حضرت زهرا علیهاالسلام در حدیث کساء
۳۱	۱- ارتباط ویژه فاطمه علیهاالسلام با خدا (استجابت دعا)
۳۳	۲- آگاهی حضرت زهرا علیهاالسلام از کلام خدا قبل از جبرئیل
۳۵	درسهای اخلاقی و تربیتی در حدیث کساء
۳۷	گفتگوی های تربیتی، حکیمانه و آموزنده حدیث کساء
۳۷	اشاره
۳۷	۱. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله با فاطمه علیهاالسلام

۳۸	گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه و امام حسن علیه السلام
۳۹	گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه و امام حسین علیه السلام
۴۰	گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام
۴۰	گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام
۴۰	گفت و گوی خدا و جبرائیل و پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۲	آثار و فوائد حدیث کساء
۴۲	اشاره
۴۲	۱. نزول رحمت خاص
۴۳	۲. عنایت ویژه فرشتگان
۴۴	۳. بر طرف شدن غصه و حزن
۴۶	۴. برآورده شدن حاجات
۴۶	۵. رستگاری دنیا و آخرت
۴۷	سی نکته مهم حدیث کساء
۷۱	ترجمه منظوم حدیث شریف کساء
۸۱	فهرست منابع
۸۳	درباره مرکز

## پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء

### مشخصات کتاب

سرشناسه: قربانیان، رضا، 1345 -

عنوان قراردادی: حدیث کساء. شرح

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء/ رضا قربانیان.

مشخصات نشر: تهران: هستی نما، 2014 م. = 1392.

مشخصات ظاهری: 72 ص.

شابک: 40000 ریال 0-71-8214-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: متن حدیث به عربی آورده شده است.

یادداشت: کتابنامه: ص. 70؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: احادیث خاص (کساء) -- نقد و تفسیر

رده بندی کنگره: BP145/ک50422ق4 1392

رده بندی دیویی: 297/218

شماره کتابشناسی ملی: 3396124

ص: 1

اشاره

پژوهشی تازه درباره حدیث شریف کساء

رضا قربانیان

ص: 2



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: 3



اشاره...7

سند حدیث کساء و دلایل وثاقت آن...9

قاعده «تسامح در ادله سنن و اخبار من بلغ»...12

نقل مفاد و محتوای حدیث کساء در سایر روایات...12

مضامین عالی حدیث کساء و انطباق آن با آیات و روایات...13

مفهوم «کساء» (وجه تسمیه) ...14

علت تکرار کلمه «کساء»...15

محور اصلی حدیث کساء...16

عناوین و نام های حضرت زهرا علیها السلام در حدیث کساء...19

فاطمه علیها السلام...19

زهرا علیها السلام...21

بنت رسول الله صلی الله علیه و آله...21

فضایل حضرت زهرا علیها السلام در حدیث کساء...25

ص: 5

- 1- ارتباط ویژه فاطمه علیها السلام با خدا (استجاب دعا) ... 25
- 2- آگاهی حضرت زهرا علیها السلام از کلام خدا قبل از جبرئیل ... 27
- درسهای اخلاقی و تربیتی در حدیث کساء... 29
- گفتگوی های تربیتی، حکیمانه و آموزنده حدیث کساء... 31
1. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و با فاطمه علیها السلام... 31
2. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام... 32
3. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام... 33
4. گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام... 34
5. گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام... 34
6. گفت و گوی خدا و جبرائیل و پیامبر صلی الله علیه و آله... 34
- آثار و فوائد حدیث کساء... 36
1. نزول رحمت خاص... 36
2. عنایت ویژه فرشتگان... 37
3. بر طرف شدن غصه و حزن... 38
4. بر آورده شدن حاجات... 40
5. رستگاری دنیا و آخرت... 40
- سی نکته مهم حدیث کساء... 41
- ترجمه منظوم حدیث شریف کساء... 66
- فهرست منابع... 71
- حدیث کساء... 73

دریای ژرف معارف دینی شیعیان، افزون بر قرآن، مبتنی بر احادیث و روایات فراوانی است که از جانب معصومین : و با واسطه علمای عظام شیعه نقل شده و در قالب ها و عناوین مختلف (دعا، مناجات، خطبه، نامه، حدیث و روایت) به دست ما رسیده است. بعضی از این معارف و آموزه ها ؛ مانند دعای کمیل، دعای ندبه، دعای ابوحمزه، دعای مکارم الاخلاق، دعای عهد، دعای سمات، دعای مشلول، دعای مجیر، دعای جوشن، دعای توسل، دعای عرفه، دعای فرج، دعای صباح؛ هم چنین مناجات مسجد کوفه، مناجات خمس عشر، مناجات شعبانیه و نیز زیارات جامعه، عاشورا، وارث و احادیث منزلت، سفینه، ثقلین، غدیر، سلسله الذهب و... دارای شهرت خاصی است.

این میراث گرانبها در کنار وحی الهی و کلام خدا، بخش مهمی از باورها و اعتقادات ما را شکل داده و هر یک با محوریت خاص خود قسمتی از نیازهای معرفتی ما را تأمین نموده است؛ مثلا دعای کمیل یا دعای امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه، ارتباط انسان با خدا، دعای ابوحمزه و امثال آن، نحوه استغاثه در پیشگاه پروردگار متعال و

احساس و ابراز نیازمندی های بشر در برابر خدا و دعای توسل و ندبه و دعای عهد، ارتباط انسان با امامان معصوم علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را با بهترین و زیباترین تعبیرها و کلمات دلنشین و شیرین، بیان فرموده است.

حدیث کساء نیز یکی از همین احادیث معروف و مشهور است که الگوی رفتاری و کلامی را به بشریت می آموزد و نیازهای اعتقادی، اخلاقی، فکری و عاطفی او را تأمین می نماید. در حقیقت، حدیث شریف کساء معجون مرگبی است از محتوای تمام احادیث و روایات که ابعاد بلندی مانند ارتباط با خدا، ارتباط با دیگران، به ویژه ارتباط با معصومین:، صفا و صمیمیت خانوادگی و از همه مهم تر موضوع امامت در اسلام را در بر دارد. این حدیث شریف با محوریت آیه تطهیر (مفهومی) و حضرت زهرا علیها السلام (مصدقی)، و در قالب انواع گفت و گوهایی

شگفت انگیز و حکیمانه، اسرار ناگشوده فراوانی را در خود نهفته دارد.

حدیث شریف کساء، حدیثی است متواتر، دارای اسناد فراوان و متن و محتوایی زیبا، آهنگین و استوار که با گفت و گو و سلام پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه عل و دعا و استعاذه آغاز و با تبیین و تحکیم مصادیق آیه تطهیر تداوم و سرانجام با معرفی یک اصحاب کساء و بشارت رستگاری به شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام پایان می یابد.

بنابراین، حدیث کساء هم یک حدیث است، هم یک دعا و هم یک خبر آسمانی مملو از ابعاد معرفتی، اعتقادی، رهبری، تربیتی، خانوادگی و اجتماعی که مسلمانان وظیفه دارند، نظیر حدیث غدیر آن را در

محافل و مجالس و مراکز عمومی اعلام و ابلاغ کنند (ما ذُكِرَ حَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ...).

بر هر مسلمان است که این خبر سرنوشت ساز را که نخست، حضرت زهرا علیها السلام پرده از آن برداشته قدر بشمارد و به سایر مسلمانان و حتی غیر مسلمانان برساند؛ البته در این صورت مشمول پنج نوع موهبت و هدیه الهی (1) نیز قرار خواهد گرفت. این هدایا مزد کسی است که هدف غائی و محور اصلی حدیث یعنی آیه تطهیر و مقام حضرت زهرا علیها السلام و اهل البیت علیهم السلام را درک نماید و ترویج کند.

### سند حدیث کساء و دلایل وثاقت آن

حدیث شریف کساء دارای اسناد و مدارک و منابع متعدد است. از آن جمله: منتخب طریحی، الغرر و الدرر، عوالم العلوم، مناقب، مجمع البحرین، نهج المحجبه فی فضائل الائمه، ارشاد القلوب، احقاق الحق، من فقه الزهرا علیها السلام، فاطمه الزهراء من المهد إلى اللحد، کبریت احمر، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، نور الافاق، وفاه الصدیقه الزهرا علیها السلام الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهرا علیها السلام، الموسوعه الکبری.

ناقلین این حدیث شریف نیز شخصیت های بزرگی بوده اند که در وثاقت قول آنان تردیدی وجود ندارد؛ مانند شهید ثانی، مقدس اردبیلی، محقق کرکی، علامه حلی، شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن قولویه، علامه

ص: 9

---

1- پنج موهبتی که در آخر حدیث آمده است عبارتند از: نزول رحمت خاص، عنایت ویژه فرشتگان، برطرف شدن غصه و حزن، بر آورده شدن حاجات و رستگاری دنیا و آخرت.

بحرانی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ کلینی، طریحی رحمه الله و... (1).

حدیث شریف کساء را مرحوم علامه بحرانی، شاگرد مرحوم علامه مجلسی، در کتاب عوالم العلوم به اسناد خود از جابر بن عبدالله انصاری از حضرت زهرا علیها السلام چنین نقل نموده است:

رأيت بخط الشيخ الجليل السيد هاشم، عن شيخه السيد ماجد البحراني، عن الحسن بن زين الدين الشهيد الثاني، عن شيخه المقدس الاردبيلي، عن شيخه علي بن عبد العلي الكركي، عن الشيخ علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ احمد بن فهد الحلبي، عن الشيخ علي بن الخازن الحائري، عن الشيخ ضياء الدين علي ابن الشهيد الاول، عن ابيه، عن فخر المحققين، عن شيخه العلامة الحلبي، عن شيخه المحقق، عن شيخه ابن نما الحلبي، عن شيخه محمد بن ادریس الحلبي، عن ابي حمزه الطوسي صاحب ثاقب المناقب، عن الشيخ الجليل محمد بن علي بن شهر آشوب، عن الطبرسي صاحب الاحتجاج، عن شيخه الجليل الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي، عن ابيه شيخ الطائفة، عن الشيخ المفيد، عن شيخه ابن قولويه القمي، عن شيخه الكليني، عن علي ابن ابراهيم، عن ابيه ابراهيم بن هاشم، عن أحمد بن محمد ابن ابي نصر البزنطي، عن قاسم بن يحيى الجلاء الكوفي، عن ابي بصير، عن ابان بن

ص: 10

---

1- در بعضی کتب، مانند کتاب زندگانی حضرت زهرا: (محمد روحانی)، 28 سند از علمای شیعه و 22 سند از اهل سنت نقل شده است. در کتب دیگر مانند ارشاد القلوب دیلمی (ج 1، ص 9) با 112 سند، متن حدیث با مصادر آن ذکر گردیده است. (حدیث کساء در موارد مختلف و متعدد و اوقات گوناگون نقل شده که کامل ترین و بهترین آن، متن جابر ابن عبدالله انصاری: از حضرت زهرا علیها السلام است.)



تغلب البكري، عن جابر بن يزيد الجعفي، عن جابر بن عبدالله الانصاري، قال: سمعت فاطمه عليها السلام أنها قالت: دخل علي أبي رسول الله في بعض الأيام .....» (1)

روت لنا فاطمه خير النساء\* حديث اهل الفضلى اصحاب الكساء

تقول إن سيد الأنام\* قد زارني يوم من الأيام (2)

ترجمه: «نقل نمود سید بزرگوار سید هاشم بحرانی، از استاد خود سید ماجد بحرانی، از حسن بن زین الدین شهید ثانی، از استادش مقدس اردبیلی، از استادش علی بن عبدالعلی کرکی، از استادش علی بن هلال جزائری، از شیخ احمد بن فهد حلی، از شیخ علی بن خازن الحائری، از شیخ ضیاء الدین علی بن الشهید الاول، از پدرش، از فخر المحققین، از استادش علامه حلی، از استادش محقق، از استادش ابن نما حلی، از استادش محمد بن ادريس حلی، از ابن حمزه طوسی (صاحب المناقب)، از استادش حسن بن محمد بن حسن طوسی، از شیخ بزرگوار محمد بن شهر آشوب، از شیخ طبرسی (صاحب احتجاج)، از پدرش شیخ الطائفه، از استادش شیخ مفید، از استادش ابن قولویه قمی، از استادش شیخ کلینی، از علی بن ابراهیم، از پدرش ابراهیم بن هاشم، از احمد بن محمد بن ابی نصیر بزندی، از قاسم بن یحیی جلاء کوفی، از ابی نصیر، از ابان بن تغلب بکری، از جابر بن یزید جعفی، از جابر بن

ص: 11

---

1- عوالم العلوم و مستدرکاتها، عبدالله البحرانی، ج 11 / 2، ص 930.

2- احقاق الحق.

عبدالله انصاری (1)، از فاطمه زهرا علیها السلام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمود: روزی پدرم رسول خدا بر من وارد شد... «

قصه شیرین اصحاب کسا\* میکنم آغاز با نام خدا

داستانی بس شگفت و بس عجیب\* داروی دل ها و جانها را طیب

راوی این قصه، دخت مصطفی است\* همطراز و همسر شیر خداست

بنابراین افزون بر اسناد محکم و قوی، چند نکته نیز در وثاقت و اعتماد به این حدیث شریف و اسناد آن دارای اهمیت است:

### **قاعده «تسامح در ادله سنن و اخبار من بلغ»**

بر پایه این قاعده، حتی اگر متن حدیث کساء سند هم نداشته باشد، محتوا و جلالت محتوایی حدیث می تواند بر صحت صدور حدیث از معصوم دلالت نماید؛ دعا و مناجات و ذکر فضائل و مناقب اهل البیت علیهم السلام سند لازم ندارد زیرا یک مسئله فطری است.

### **نقل مفاد و محتوای حدیث کساء در سایر روایات**

نکته دیگر آنکه محتوای حدیث شریف، در تمام ابعاد، در دیگر احادیث و روایات نیز نقل و تأیید شده و در حد تواتر از معصومین علیهم السلام نقل شده است.

ص: 12

---

1- جابر (بر پایه نامش پیام «جبران کننده را به همراه دارد) همان کسی است که راوی حدیث لوح فاطمه علیها السلام و اولین زائر قبر امام حسین علیه السلام و کسی است که مأمور بود سلام پیامبر صلی الله علیه و آله را به امام باقر علیه السلام برساند.

شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: «هر گروهی از مسلمانان گرد هم آیند و فضایل آل محمد صلی الله علیه و آله را نقل کنند، فرشتگان از آسمان ها فرود آمده و به جمع آنها می پیوندند. وقتی آن گروه متفرق می شوند و فرشتگان به آسمانها بالا می روند، دیگر ملائکه از آن ها می پرسند: بوی خوشی از شما استشمام می کنیم که نظیر آن را تا کنون احساس نکرده ایم. آنها در پاسخ می گویند: ما در مجلسی بودیم که اخبار آل محمد صلی الله علیه و آله در آن نقل میشد. آن ملائکه می گویند: ما را هم به آن جا ببرید تا از باقیمانده عطر آن مجلس بهره ببریم.» هم چنین امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: «إن تلك المجالس أحبها، فاحيوا أمرنا، يا فضيل، رحم الله من أحيا أمرنا.»(1)

### مضامین عالی حدیث کساء و انطباق آن با آیات و روایات

افزون بر تمام مطالب مذکور، سند قطعی حدیث همان تعبیرها و الفاظ پر محتوای خود حدیث کساء است؛ زیرا مضامین بلند این حدیث کاملا با آیات قرآن و احادیث معتبر منطبق بوده (2) و نمی تواند از غیر معصوم صادر شده باشد. بنابراین حدیث کساء نه تنها ضعف محتوایی ندارد، بلکه مضامین عالی آن کاملا دلالت دارد بر این که از معصوم صادر شده است. افزون بر آن، سند آن نیز در نهایت اعتبار بوده و مضامین و محتوای آن نیز عالی و سرشار از فضیلت ها و کمالات محمد و

ص: 13

---

1- احقاق الحق، ج 9، ص 500؛ ینابیع الموده، ص 246؛ بحار الانوار، ج 44، ص 282.

2- به نکته 19 در پایان همین نوشتار مراجعه شود.

آل محمد صلی الله علیه و آله است که در روایات بی شمار و معتبری این مضامین و مفاهیم نقل شده و به دست ما رسیده است. براین اساس، در سندیت، محتوا و مضامین حدیث و دلالت آن تردیدی باقی نمی ماند. با این اوصاف، جای تعجب و تأمل از کسانی است که در سند حدیث خدشه وارد می کنند و باعث سست شدن عقاید مردم می شوند؛ هرچند این نوع خدشه ها نتیجه معکوس دارد.

### مفهوم «کساء» (وجه تسمیه)

کلمه «کساء» (به کسر کاف) به معنی گلیم یا عبا و جامه پوشیدنی است (جمع آن نیز اکسیه است). کلمه کساء (به فتح کاف) نیز به معنی بزرگی و بلندمرتبه است. <sup>(1)</sup>البته «کسی» فعل ماضی نیز هست. از محتوای حدیث شریف و نسخه های متعدد و منابع حدیثی استفاده می شود که:

اولاً حدیث کساء به همین صورت یعنی با کسر کاف نقل شده و صحیح است.

ثانیاً آن پارچه ای که اصحاب کساء تحت آن پوشش یافته اند، پارچه یا عبای یمانی بوده است (پارچه ای بزرگ از یمین) نه کساء خیبری یا کوفی یا فدکی یا غیر آن؛ زیرا در متن حدیث شریف در منتخب طریحی به آن تصریح شده است: «إیتینی بالکساء الیمانی فغطینی به، فأتیته بالکساء الیمانی، فغطیه به.» بنابراین، علت این نام گذاری همین بوده،

ص: 14

یعنی این حدیث به اعتبار کلمه کساء و پوشش خاص به حدیث کساء نامگذاری گردیده است.

### علت تکرار کلمه «کساء»

کلمه «کساء» در حدیث شریف، 23 نوبت به صورت «تحت الكساء» و «نحو الكساء» آمده است که مفهوم پوشش (دربردارنده) را می‌رساند. از سیاق حدیث و مجموعه کلمات آن نیز تقریباً پوشش کریمانه و عاطفی و معنوی استفاده می‌شود. بنابراین، فضایل، کرامات، استجابات دعا و دیگر امتیازات مطرح شده در این حدیث، مختص همان افرادی است که تحت این پوشش (تحت الكساء) قرار دارند. بدین وسیله و با این پوشش خاص حکیمانه، از نفوذ بیگانگان مکتب اهل البیت علیهم السلام جلوگیری به عمل آمده است؛ زیرا اهل البیت الگوی جهان بشریتند و منحصر در همین افرادی است که تحت کساء بوده‌اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز وقتی همه آن بزرگواران تحت کساء قرار گرفتند، فرمود: «اللهم إن هؤلاء أهل بیتی و خاصی...».

در این حدیث شریف، یک یک اصحاب کساء با نام و دیگر مشخصات معرفی شدند تا مردم دنیا بدانند اوصیاء و خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله فقط همین افرادند. علت تکرار کلمه «کساء» نیز شاید به همین منظور باشد تا دیگران به این فضیلت طمع نورزند و مردم نیز به سراغ دیگران نروند و گمراه نشوند و بدین ترتیب راه نفوذ غیر معصومین مسدود گردد. تمام این اهداف با کلمه «تحت الكساء» به وضوح معلوم می‌شود. البته

بدون این تعبیر نیز این اهداف محقق است، ولی به کار گرفتن آن موجب تحکیم و تأکید بیشتر می‌گردد. به طور کلی، فلسفه موضوع «کساء» و «تحت الکساء» تأیید و تحکیم حصر آیه تطهیر است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (1)

## محور اصلی حدیث کساء

محور اصلی حدیث شریف کساء موضوع آیه تطهیر و تأیید و تعیین مصادیق واقعی این آیه کریمه است؛ موضوعی که سرنوشت جهان بشریت تا قیامت به آن ارتباط دارد؛ یعنی رهبری جهان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله .

همان هدفی که در ده ها آیه و حدیث، مانند آیه تبلیغ، ولایت و، و نیز روایاتی مانند حدیث منزلت، ثقلین، غدیر و... منظور بوده، در قالب حدیث کساء بیان گردیده است. بر همین اساس، محور مفهومی حدیث کساء، آیه تطهیر و محور مصادیقی آن نیز وجود مقدس صدیقه طاهره، حضرت زهرا علیها السلام است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منظور تحکیم امر ولایت و خلافت و تعیین تکلیف و وظیفه مردم مسلمان درباره ولایت اهل البیت و موضوع

ص: 16

---

1- احزاب، آیه 33. (ضمناً تمام کلمات و حروف آیه تطهیر قابل تأمل و تعمق ویژه است، از آن جمله، کلمه «لیذهب» که «لیزیل» نیامده است. هم چنین ویژگی زمانی و مکانی نزول، بالاخص نزول آن در حضور بهترین پاکان جهان و خمسه طیبه و با تشریفات خاص نیز سزاوار پژوهش و تعمق است).

عصمت جانشینان خود، طرح های مختلفی را مانند «طرح غدیر» طراحی فرمود تا مولا علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی گردد. حدیث شریف کساء با محوریت حضرت زهرا علیها السلام نیز یک طرح ابتکاری و جذاب در همین راستا بود تا به وسیله آن، موضوع آیه تطهیر و عصمت امامان معصوم علیهم السلام و جانشینان خاص پیامبر و در اذهان مردم جهان تعمیق گردد.

بعد از آن که آیه تطهیر در منزل حضرت زهرا علیها السلام نازل گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز صبح، به مدت شش تا هفت ماه، قبل از رفتن به مسجد برای نماز جماعت، پشت درب خانه حضرت زهرا علیها السلام می ایستاد و سه نوبت آیه تطهیر را می خواند و سپس به مسجد می رفت تا توجه مردم کاملاً جلب شود و نسبت به او صیبا و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله کوتاهی نکنند؛ زیرا از منظر اسلام و رسول خدا، امامت از اصول است و اگر این اصل فراموش شود، نماز و روزه و سایر احکام نیز از بین خواهد رفت. (بالإمام تمام الصلوه والزکاه...) (1)

حدیث شریف کساء رابطه ای وثیق با آیه تطهیر دارد و در واقع تفسیر حقیقی و مفهومی و مصداقی کامل این آیه شریفه است. از یک سو، قرار گرفتن آیه تطهیر در وسط حدیث کساء پشتوانه محکمی بر اعتبار حدیث است و از سوی دیگر نیز با این ابتکار و با قرار گرفتن افراد در زیر کساء، یک یک مصداق آیه تطهیر یعنی اهل البیت علیهم السلام معرفی

ص: 17

---

1- تحف العقول ( از کلمات امام رضا علیه السلام درباره جایگاه و نقش امام علیه السلام ).

شده اند. البته در این میان محور اصلی، حضرت زهرا علیها السلام است. تمام جملات و محتوای حدیث، تکمیل و تحکیم همین مفهوم و مصداق است. جملات حدیث کساء نیز درست مانند کلمه حصر «انما» در آیه تطهیر همین حصر را تقویت و تحکیم نموده است: «اللهم إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي لِحَمَّتِي لِحَمِي وَدَمُهُمْ دَمِي يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارِبُهُمْ وَسِئْلٌ لِمَنْ سَأَلَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صِدْقَ لِمَوَاتِكِ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَغُفْرَانِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا مَلَأْتُكَ وَيَا سُدَّكَ سُدَّ مَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سِوَا مَاءٍ مَبْنِيَّةٍ... هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا...»

ارتباط صمیمی و یگانگی اهل بیت علیهم السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه ای قوی، مهم و عمیق است که گوشت و خون اهل بیت علیهم السلام به منزله گوشت و خون پیامبر صلی الله علیه و آله است. بنابراین هر کسی اهل بیت علیهم السلام را اذیت کند مانند آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله را آزار داده و هر کسی از سر جنگ با اهل بیت علیهم السلام در آید مانند آن است که با پیامبر و سر جنگ و دشمنی داشته و هر کسی با اهل بیت علیهم السلام از در صلح و دوستی در آید به منزله صلح و دوستی با پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد بود.

در این جا تذکر دو نکته قابل تأمل است:

یکی آنکه اصحاب کساء با فاطمه علیها السلام تکمیل می شود (فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى



إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ...؛ زیرا فاطمه علیها السلام آخرین کسی است که از خمسه طیبه داخل کساء می شود.

دیگر آنکه اگر حضرت زهرا علیها السلام در حدیث شریف کساء به عنوان محور قلمداد می شود به این معنی نیست که فاطمه علیها السلام افضل از پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله خود صاحب کساء و معرف اصحاب کساء بوده که مانند طرح غدیر و معرفی امیر المؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین خود، بدین وسیله اصحاب کساء از جمله فاطمه علیها السلام را به عنوان محور به مردم دنیا معرفی فرمود تا مردم از این رهگذر به خدا نزدیک شوند. (1)

### عناوین و نامهای حضرت زهرا علیها السلام در حدیث کساء

در حدیث کساء به چند نام و عنوان حضرت زهرا علیها السلام (فاطمه، زهرا، بنت رسول الله و ام) اشاره شده که هر یک دارای پیام و حکمت خاصی بوده و به نوعی با محوریت حضرت زهرا علیها السلام و آیه تطهیر و مسئله ولایت معصومین علیهم السلام در ارتباط است.

### فاطمه علیها السلام

از همان آغاز، حدیث شریف کساء با نام «فاطمه» شروع می شود. نام مقدس «فاطمه»، زیبایی خاصی به این حدیث شریف بخشیده

ص: 19

---

1- به نکته 23 مراجعه شود.

است. (1) در آغاز حدیث، از بین نام های فراوان دختر گرامی پیامبر، نام پر محتوای «فاطمه» مطرح شده است.

«فاطمه» از ریشه «فطم» به معنی «جداشدن» است؛ اشاره به این که شیعیان حقیقی از آتش جهنم و از هر شر و بدی جدا شده اند؛ زیرا پیوند معنوی با فاطمه علیها السلام کیمیایی است که هر انسانی را از جهنم دنیا و آخرت جدا نموده و نجات می دهد. مهم تر آنکه حضرت فاطمه علیها السلام دارای مقام بسیار عظیمی است که مردم دنیا از شناخت آن بانوی بزرگوار عاجز و ناتوانند. وجود مبارک ایشان به منزله «لیله القدر» است که درک «لیله القدر» برای هر کسی امکان پذیر نیست «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (2). بنابر این جامع ترین و مهم ترین نامی که با فلسفه و پیام حدیث کساء مناسب است، همین نام مقدس است؛ نامی که بیانگر برتری فاطمه علیها السلام از نظر فضیلت، معنویت، علم، حسب و نسب و... از همه عالمیان است. ذکر این نام در آغاز حدیث کساء این پیام را در بر دارد که حدیث کساء راه نفوذ بیگانگان و دزدهای روزگار را مسدود نموده است. این که این نام مقدس چهار نوبت در حدیث شریف آمده، تلویحا حصر آیه تطهیر (إنما) را تحکیم و تثبیت و تقویت نموده است. با این اوصاف، مفهوم «فاطمه» با محتوا و پیام حدیث شریف و حصر آیه تطهیر به طور کامل

ص: 20

---

1- بعد از کلمه «کساء» که 23 نوبت و کلمه «سلام» که 20 نوبت در حدیث کساء آمده، بیشترین نامی که مجموعه حدیث را معطر و مزین نموده نام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت نام و صفت و ضمائر است.

2- قدر، آیه 2.

مطابقت و هماهنگی دارد که نکته های باریک تر از مو، این جا است. در آنجا که از آن حضرت به عنوان محور یاد می شود با همین نام (فاطمه) مطرح می گردد: «هم فاطمه و أبوها و بعلها و بنوها.»

## زهرا علیها السلام

زهرا یعنی درخشنده. هنگامی که ملائکه الهی در ظلمت قرار گرفتند و تکه ابر سیاهی بالای سر آنها واقع شد، آنان از خداوند درخواست نمودند تا برای رفع ظلمت، به آنان عنایتی فرماید. نور زهرا علیها السلام تجلی نمود و ملائکه نجات یافتند و از آن لحظه مأمور شدند تا روز قیامت برای فاطمه و پدر و شوهر و فرزندان فاطمه تسبیح بگویند و ثواب آن تسبیح را به پیروان حضرت اهدا کنند. با این اوصاف، نام زهرا علیها السلام و تسبیح آن حضرت از آغاز خلقت در عرش پایه ریزی شد.

نام زهرا با این مفهوم خاص، جایگاه آن حضرت در عرش الهی و نورافشانی عالم آفرینش را تداعی می کند. پرده برداشتن حضرت زهرا علیها السلام از گفت و گوی خداوند با ملائکه و سکان سماوات و مطلع بودن حضرت از این راز و گفت و گو (فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي يَا سُكَّانَ سَمَوَاتِي) نیز از همان آغاز حدیث کساء به مفهوم عمیق نام «زهرا» اشاره دارد (در اینجا نیز نکته ها وجود دارد).

## بنت رسول الله صلی الله علیه و آله

هر یک از کلمات (نام، لقب ...) و هر جمله ای از جملات حدیث

شریف کساء و حتی ترتیب و نظم آنها نیز دارای حکمت و اسراری است که باید به آن توجه نمود. «بنت رسول الله» نیز از حکمت خاصی برخوردار است. نغمه «بنت محمد» تا معلوم و روشن باشد آن فاطمه و زهرایی که در حدیث کساء نام برده شده، دختر رسول خدا است و جای هیچ گونه شک و تردیدی در این نسبت ایجاد نشود؛ چون ممکن بود گفته شود در آن عصر و زمان «فاطمه نام» که فرزند «محمد نام» باشد وجود داشته است. اما تعبیر «فاطمه بنت رسول الله» منحصر به یک نفر است و او همان کسی است که پاره تن پیامبر آخر الزمان و کسی است که جابر حدیث کساء را از او نقل نموده و محور موضوعی حدیث کساء یعنی محور امامت و رسالت بلکه محور نظام هستی است؛ کسی که بقای هستی و نظام آفرینش به طفیل برکت وجود اوست.

در حدیثی قدسی خداوند خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْلَا كَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا»؛ اگر به خاطر تو نبود، افلاک را خلق نمی کردم و اگر به خاطر علی نبود، تو را خلق نمی کردم و اگر برای فاطمه نبود، شما دو نفر را خلق نمی کردم.» (1)

أمّ

کلمه «أمّ» نیز در بین القاب حضرت زهرا علیها السلام مانند سایر نام ها و القاب در حدیث کساء پیامی مهم و محوری در بر دارد. امام حسن و امام

ص: 22

حسین علیه السلام خطاب به مادر می گویند: «السلام علیک یا أمّاه». «أمّ» به معنی مادر است که هر کجا به کار رفته، محوریت خاصی را به خود اختصاص داده است؛ مانند «أمّ القری» (مکه) که تمام فکرها و فطرتها به سوی «أمّ القری» روانه است و منزلت خاصی دارد. همچنین «أمّ الرأس» (مغز) که تمام نیروهای بدنی و فکری به سمت مغز روانه است. یا «أمّ الکتاب» که یکی از اسامی سوره حمد است و تمام قرآن در آن خلاصه شده و حاوی تمام قرآن است. بنابراین «أمّ» یعنی مجمع و مرکزی که باید همه نیروها به آن مرکز توجه داشته باشند. تمام مادران معمولی دنیا بیشترین سهم و مهم ترین نقش را در به ثمر رساندن و تولد فرزند در مرحله جنینی و رحم دارند که در قرآن مجید نیز به آن اشاره شده است. در مراحل تکون جنین در رحم، نود درصد پای مادر در کار است و ده درصد پدر؛ زیرا پدر به منزله بذرافشانی است که بذر خود را در سرزمین مستعد مادر می ریزد، ولی رحم مادر و سرزمین مادر است که باید به ماه از این بذر و سرزمین به طور ویژه مراقبت نماید.

حضرت زهرا علیها السلام نه تنها فرزندانی را در رحم و دامن پاک خود پرورش داده (أرحام المطهره) و از این جهت مقام مادری دارد، بلکه مقام مادری و محوری همه امامان شیعه و از آن مهم تر مقام مادری پدر خویش را نیز داراست (أمّ الأمه و أمّ ایها). حضرت زهرا علیها السلام بر اساس حکمت الهی نه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و نه امام، اما دارای مقام امیت و محوریت رسالت و امامت بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در سن کودکی پدر و مادرش را از دست داد. هم چنین همسر وفادارش خدیجه سلام الله علیها نیز از دنیا رفت. تا زمانی که حضرت خدیجه در دنیا بود به عنوان «أم المؤمنین» نام برده می شد، اما پس از رحلت جانشوز آن بانوی وفادار و شجاع، این مدال افتخار تنها به وجود مقدس دخت گرامی پیامبر و اطلاق می شد. به عبارتی، آن راز بقای هستی و محور جهان آفرینش، یعنی فاطمه علیها السلام، که هم «أم ابیها» بود و هم «أم الائمه»، «أم المؤمنین» نیز بود؛ یعنی مجمع و مرکز همه نیروها. همان گونه که مغز انسان در وسط جمجمه قرار دارد تا از هر نوع آسیبی محفوظ بماند و محل توجه تمام نیروهای مملکت بدن است، بر همین اساس در حدیث شریف کساء همه اصحاب کساء ذیل نام فاطمه علیها السلام (با ذکر تنها همین عنوان و نه نامی دیگر) و با محوریت آن حضرت معرفی می شوند: «هم فاطمه و أبوها و بغلها و بنوها».

وقتی گفته می شود حضرت زهرا علیها السلام محور است، گویی گفته می شود که همه مردم دنیا بدانند تنها کسانی که به این ریشه و محور متصل باشند قابلیت امامت دارند. با این اوصاف، در حدیث کساء در حقیقت امامان شیعه تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تلویحا معرفی شده اند تا از گمراه شدن مردم در تعیین مصادیق امامت و رهبری امت جلوگیری به عمل آید. اصلا یکی از اهداف حدیث کساء همین انحصار امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و اصحاب کساء است.

ائمه ما همه افتخارات خود را از فاطمه علیها السلام میدانند: «المهدی من عترتی و من ولد فاطمه.» حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «فی ابنه رسول الله لی أسوه حسنه»<sup>(1)</sup> «الگوی زندگی من فاطمه است.» این تعبیر نیز تأکیدی است بر همین موضوع که ریشه و محور امامت در وجود مقدس حضرت فاطمه علیها السلام خلاصه می شود.

## فضایل حضرت زهرا علیها السلام در حدیث کساء

### 1- ارتباط ویژه فاطمه علیها السلام با خدا (استجاب دعا)

حدیث شریف کساء از یک منظر مجموعه ای از دعاهای مختلف در ابعاد گوناگون است که در آغاز آن نیز از یک دعای مستجاب و حادثه خبر داده شده است. حضرت زهرا علیها السلام در پیشگاه پروردگار متعال برای پدر دعا نمود و پدر بزرگوار خود را در پناه خدا قرار داد.<sup>(2)</sup> دعای فاطمه علیها السلام مستجاب شد و رخسار آن بزرگوار همانند قرص ماه درخشید و بدین وسیله آثار ضعف بدنی برطرف و تبدیل به قوت گردید و مانند گل شکفته شد:

عن جابر بن عبدالله الأنصاری قال سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أَنَّهَا قَالَتْ دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيَّ يَا فَاطِمَةُ

ص: 25

---

1- اطیب البیان، ج 13، ص 225.

2- پیامبر صلی الله علیه و آله در همان آغاز حدیث کساء عملاً به مردم دنیا آموخت که در گرفتاری ها و بیماری ها به فاطمه علیها السلام متوسل شوید تا به وسیله او در پناه خدا قرار گیرید؛ زیرا خدا فاطمه علیها السلام را پناهگاه قرار داده است (أعینک بالله).

فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ قَالَ إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا فَقُلْتُ لَهُ أَعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا ابْنَ آدَمَ مِنَ الضَّعْفِ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ أَيَّتِي بِي بِأَلْسَانِ الْيَمَانِيِّ فَغَطَّيْنِي بِهِ فَآتَيْتُهُ بِأَلْسَانِ الْيَمَانِيِّ فَغَطَّيْتُهُ بِهِ وَصَبْرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلِهِ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ...»

بنابراین در نخستین فراز حدیث شریف کساء به دو موضوع مهم اعتقادی اشاره شده است:

1. دعا (دعای دختر در حق پدر، یعنی دعای حضرت زهرا علیها السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله).

2. استعاذه (پناهندگی).

در بخش دوم یعنی استعاذه، به یکی از مسائل مهم اعتقادی و

توحیدی اشاره شده است؛ پناهندگی انسان به خدای غنی بالذات.

در استعاذه، ضعیف به قوی پناه می برد و پس از علم و آگاهی به وجود دشمن و بیچارگی و ضعف و فقر خود، و از سوی دیگر علم به قدرت الهی و آگاهی از این که خداوند او را پناه می دهد (پس از این چهار علم)، حالت پناهندگی برای انسان ایجاد می شود. این حالت

پناهندگی (یکی از صفات حمیده و از بهترین اعمال عباد صالحین و ابرار و مخلصین است. انسان با پناه جستن به حضرت حق، راه خود را تسهیل نموده و به اقتضای توحید افعالی همه چیز را به خداوند قادر می سپارد. استعاذه گاه در مقام قلب است و گاه در مقام عقل و گاه در مقام لفظ (اگر چه تمام حقیقت آن قلبی است). بسان سایر اعمال عبادی،

ص: 26



ظهور این حقیقت در قلب است؛ یعنی از آستانه زبان به تمام اعضا و جوارح و بالاخره به قلب می رسد.

حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که ضعف بدنی پدر مهربان را مشاهده می کند، با تمام وجود به خداوند متعال پناهنده می گردد (أُعِيذُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ) و سرانجام با تضرع در پیشگاه خداوند، دعایش مستجاب می گردد. شاید این ضعف (1) به خاطر نور عظمت نزول وحی و آیه تطهیر بوده است؛ چنان که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول اولین آیات الهی از کوه حرا به منزل آمد، حالاتی مشابه بر وجود نازنینش عارض شد که آیات نازل شده پس از آن واقعه (يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ... يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ) نیز بیانگر همین وضعیت بوده است.

## 2- آگاهی حضرت زهرا علیها السلام از کلام خدا قبل از جبرئیل

قدرت علمی و آگاهی و احاطه حضرت زهرا علیها السلام قبل از آمدن جبرئیل نکته ای بسیار مهم و حیرت انگیز است. حضرت زهرا علیها السلام در این حدیث شریف، قبل از جبرئیل، از خداوند و گفت و گوی میان خدا و فرشتگان و ساکنان آسمانها یاد کرده است.

متن حدیث این گونه است که جابر ابن عبدالله انصاری کلمات این حدیث را به طور کامل از حضرت زهرا علیها السلام شنیده که در بخشی از این حدیث گفت و گوی خداوند و جبرئیل بازگویی شده است؛ این بدان

ص: 27

---

1- به نظر بعضی ضَعْف (با ضم) به معنی ناتوانی جسم و بدن است و ضَعْف (با فتح) به معنی ناتوانی عقل و رأی است (ر.ک: قاموس، ج 4، ص 183).

معناست که حضرت فاطمه علیها السلام قبل از هبوط جبرئیل و آمدن به زمین و خیردادن به رسول خدا، از این مسئله با خبر بوده است: «فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سُكَّانَ سَمَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَبْنِيَةً... فَقَالَ الْإِمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي... فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ...» (1)

بنابراین معلوم می شود حضرت زهرا علیها السلام هم فرشته وحی را دیده و هم از گفت و گوی خداوند مطلع بوده است؛ نظیر آنچه در مصحف فاطمه علیها السلام نقل شده که آن حضرت از «علم ما کان وما یکون» خبر داشته است. (2) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «در مصحف فاطمه مطالبی هست مثل آنچه در قرآن آمده؛ در صورتی که یک کلمه از آن در قرآن نیست و نیز صدای فرشتگان را شنیده و از آنها بهترین بوی خوشی را استشمام نموده است.»

البته این که چگونه حضرت زهرا علیها السلام قبل از خبر آوردن جبرئیل از این مطلب خبر داشته و از گفت و گوی خدا مطلع بوده یا این که چه موضوع مهمی بوده که جبرئیل تقاضای حضور در زیر کساء را داشته یا هبوط جبرئیل چگونه و با چه سرعتی بوده یا کساء کجا بوده و امثال این مطالب، اسرار بسیار مهمی است که حقیقت آن هنوز کشف نشده است.

نکته دیگر آن که حضرت زهرا علیها السلام، بدون واسطه از خداوند و

ص: 28

---

1- کلمه «فقال» پنج بار تکرار شده است.

2- به نکته 25 مراجعه شود.

گفت و گوی میان خدا و فرشتگان و سگان آسمانها یاد کرده است: « فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأَيْكَتِي... فَقَالَ اللَّهُ: نَعَمْ. » گویی جبرئیل را مشاهده کرده و گفت و گوی میان او و پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیده است: « فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. »

## درسهای اخلاقی و تربیتی در حدیث کساء

یکی از درس ها و روش های بسیار مهم و تأثیر گذار عاطفی، اخلاقی و تربیتی مکتب شیعیه، زیبایی در کلام و کلام زیبا و دلنشین و ایجاد فضای گفتگوی شیرین و جذاب به ویژه با سلام کردن و اظهار لطف و صمیمیت به مخاطب است. در مکتب اسلام توصیه شده هنگامی که دو نفر با یکدیگر ملاقات می کنند و می خواهند ارتباط کلامی برقرار کنند قبل از هر چیز به وسیله سلام (1) و جواب سلام به یکدیگر اظهار ادب و احترام نمایند؛ زیرا از آداب دینی آن است که ابتدا کسی که وارد می شود، سلام کند (للوارد السلام)، و شخص مقابل نیز واجب است جواب سلام او را بدهد. هم چنین توصیه شده در مقام جواب و پاسخ سلام، شخص جواب دهنده اظهار محبت خود را مضاعف نماید و کلامی دیگر، علاوه بر آنچه سلام کننده اظهار داشته، بر آن بیفزاید.

این درس تربیتی و آموزنده را قرآن مجید و حدیث شریف کساء به

ص: 29

---

1- «سلام» اسم مصدر و نام خداست؛ یعنی خدا از هر نوع شرک و عیبی سالم است.

ما آموخته است: (وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا) (1) «و هنگامی که کسی به شما تحیت گوید پاسخ او را به طور بهتر بدهید.» و نیز (إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ) (2): «هنگامی که به خانه ای وارد می شوید به خویش سلام کنید.» (یعنی چون به خانه یا مسجدی در آئید بر مسلمانان یا اگر کسی نباشد بر خود سلام کنید)

این توصیه قرآن و تحیت و اکرام (بالتحیه و الإِکرام) درباره حدیث کساء از جانب اصحاب کساء کاملاً مشهود است و از آغاز تا پایان حدیث شریف با بیست نوبت تکرار کلمه سلام، ابتدا از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که الگو و اسوه حسنه جهان بشریت است (السلام علیک یا فاطمه) و سرانجام با سلام خدا پایان می پذیرد الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقَرِّتُكَ السَّلَامَ.

شخصی به پیامبر و عرض کرد: السلام علیک، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «السلام علیک و رحمه الله»، دیگری عرض نمود: السلام علیک و رحمه الله، پیامبر و فرمود: «و علیک السلام و رحمه الله و برکاته». (3)

بنابراین اولین درس اخلاقی و تربیتی که حدیث کساء به ما آموخته، عمل و سیره عملی اصحاب کساء بوده که مملو از کلمات عاطفی و صمیمی و گفت و گوهای شیرین با الفاظی زیبا و دلنشین است. بدین وسیله به ما آموخته اند که در مراوده های اجتماعی و برخورد و

ص: 30

---

1- نساء، آیه 86.

2- نور، آیه 61.

3- تفسیر نمونه، ج 4، ص 46، به نقل از: تفسیر در المثور، ج 2، ص 8.

ارتباط با یکدیگر، به ویژه روابط خانوادگی و گفتگو با یکدیگر ادب و احترام خاص را رعایت نماییم تا از این رهگذر جامعه ای سالم داشته باشیم.

تأمل و تعمق بیشتر به مقوله ادب و احترام و سلام و تحیت در حدیث شریف کساء، نکات آموزنده دیگری را نیز نشان می دهد که به برخی از آنها اشاره می شود.

## گفتگوی های تربیتی، حکیمانه و آموزنده حدیث کساء

### اشاره

\*گفتگوی های تربیتی، حکیمانه و آموزنده حدیث کساء (1)

### 1. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله با فاطمه علیها السلام

قبل از هر چیز نکته تأمل برانگیز این که حضرت زهرا علیها السلام نام پدر را با احترامی خاص، یعنی با لقب «رسول الله» (دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ) یاد می کند. تلقیب و تکنیه در زبان عربی نوعی تکریم به حساب می آید و در کنیه و لقب لذت خاصی احساس می شود؛ زیرا اسم محبوب و مخاطب تکرار می شود.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله بر فاطمه علیها السلام وارد می شود با سلام آغاز سخن می فرماید: «السلام عليك يا فاطمه». آن گاه حضرت زهرا علیها السلام جواب سلام می فرماید: «عليك السلام». سپس علاوه بر جواب سلام، برای

ص: 31

---

1- یکی از نیازها و مسائل رایج بین مردم دنیا، گفتگوهای گوناگون مانند گفتگوهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، تربیتی و غیره است. بهترین الگوهای گفتگو، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت هستند. محور گفتگو در اسلام، حسن نیت، صداقت، تکریم و احترام متقابل و اخلاص است.

سلامتی پدر بزرگوار، در پیشگاه خداوند دعا می نماید: «أُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ». ادامه گفت و گوی عاطفی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام به این جا منتهی می شود که هنگام اذن ورود در زیر کساء، حضرت زهرا علیها السلام به پدر سلام می کند: «السلام عليك يا أبتاه يا رسول الله»، رسول خدا نیز در پاسخ سلام فاطمه علیها السلام می فرماید: «و عليك السلام يا بیتی و یا بضعتی» در این جا عناوین عاطفی و جذاب «پدرم» یا «رسول الله» و «دخترم» و «پاره تنم» «فغطینی ، تو مرا بیوشان» به کار رفته که از منظر تربیتی و عطف و مهربانی بسیار قابل تعمق و تأمل است.

## 2. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه و امام حسن علیه السلام

پس از گفت و گوی پیامبر و با فاطمه علیها السلام، اولین گفت و گوی محترمانه از جانب امام حسن علیه السلام با مادر و سپس با جد بزرگوار خود یعنی حضرت رسول صلی الله علیه و آله آغاز می گردد. امام حسن علیه السلام با ادب و احترام خاصی با تعبیر ریشه دار «أم» به مادر سلام می کند: «السلام عليك يا أُمّاه»، حضرت زهرا علیها السلام نیز با پاسخی مضاعف و اظهار محبت خاص در جواب می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي». تعبیر «نور دیده» و «میوه دل»، دو تعبیر بسیار عاطفی و دلپذیر و مملو از مهر و محبت است که حضرت زهرا علیها السلام به عنوان مادر درباره فرزند خود به کار می برد؛ زیرا برای هر چیزی ثمره و برای هر درختی میوه ای هست و فرزند انسان میوه دل و میراث حقیقی انسان است، دل نیز مخزن محبت است. این گفت و گو نیز سرانجام به آنجا منتهی می شود که امام

حسن علیه السلام با اجازه ورود از جد بزرگوار خود زیر کساء قرار می گیرد و به آن بزرگوار سلام می کند: «السلام علیک یا جداه یا رسول الله». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در جواب سلام امام مجتبی علیه السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَدَى (1) وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي.»

### 3. گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه و امام حسین علیه السلام

سپس همین نوع گفت و گو با احترام و ادب خاصی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام و امام حسین علیه السلام تحقق می یابد. هنگامی که امام حسین علیه السلام به مادر سلام می کند: (السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا أُمَّة)، حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ فرزندش امام حسین علیه السلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَدَى وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي وَثَمَرَةَ فُؤَادِي». در این جا حضرت زهرا علیها السلام با سه عنوان فرزند خود امام حسین را مورد مهر و محبت قرار می دهد: «فرزندم»، «نور چشمم»، «میوه دلم». این گفت و گو نیز منتهی می شود به آن جا که امام حسین علیه السلام پس از اذن ورود، به جد بزرگوار خود سلام میکنند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ» و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در پاسخ می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَدَى وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي». پیامبر و امام حسن علیه السلام را صاحب حوض و امام حسین علیه السلام را شافع امت معرفی فرموده که اشاره است به دو مقام حسنین علیهما السلام در قیامت.

ص: 33

---

1- از این کلام زیبا و محبت آمیز استفاه می شود که نوه انسان نیز به منزله فرزند انسان است.

#### 4. گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام

پس از ورود حسنین علیهما السلام در زیر کساء، امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از اذن دخول از پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام سلام می نماید: «السلام علیک یا بنت رسول الله»، حضرت زهرا علیها السلام نیز در پاسخ سلام محبت آمیز امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «وعلیک السلام یا أبا الحسن و یا أمیر المؤمنین». حضرت علی علیه السلام با تعبیر «بنت رسول الله» نهایت ادب و احترام را برای پیامبر و دختر رسول خدا به عمل آورده و حضرت فاطمه علیها السلام نیز در جواب سلام به طور مضاعف به دو عنوان حضرت علی علیه السلام اشاره فرموده است: «أبا الحسن» و «أمیر المؤمنین».

#### 5. گفت و گوی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

پس از این گفت و گو و هنگام اذن ورود زیر کساء، امیر المؤمنین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله سلام می کند: «السلام علیک یا رسول الله». پیامبر اکرم نیز با تکریم خاص و مضاعف در جواب سلام می فرماید: «وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخِي يَا وَصِيَّيَّ وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبَ لَوَائِي» و به چهار منصب و عنوان علی علیه السلام اشاره می فرماید (برادر، وصی، خلیفه، صاحب لواء).

#### 6. گفت و گوی خدا و جبرائیل و پیامبر صلی الله علیه و آله

اصحاب خمسه کساء پس از تشریفات و ادب و احترام خاص و



متقابل، همه در زیر کساء قرار گرفتند. آن گاه پیامبر و فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي وَحَاقَّتِي...»، تا این که جبرئیل نیز ابتدا از خدا اجازه گرفت: «فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا» و به این مقدار هم اکتفا نکرد و با این که اجازه خداوند کافی بود، اما به احترام پیامبر و اهل بیت علیهم السلام: اولاً بر پیامبر و سلام کرد، ثانیاً با احترام خاصی سلام خدا را با تعبیر زیبا به پیامبر و ابلاغ نمود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُفَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَخْصُصُكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْأَكْرَامِ»، ثالثاً قبل از ورود زیر کساء از پیامبر و اجازه دریافت کرد. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با احترام و تکریم خاصی جواب سلام جبرئیل را می فرماید: «وعلیک السلام یا امین وحی الله».

در گفت و گوی جبرئیل با پیامبر صلی الله علیه و آله چند نوع احترام و مراتب احترام به چشم می خورد: یکی اجازه جبرئیل از خدا برایهبوط به زمین و ورود بین اصحاب کساء، دیگر سلام جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله با تعبیر «یا رسول الله»، سوم نیز ابلاغ سلام خدا به پیامبر و که نام خدا را نیز با احترام و با کلمه «اعلی»<sup>(1)</sup> به کار برده است و در آخر نیز پاسخ کریمانه پیامبر به جبرئیل با عنوان «امین وحی خدا» بیان شده است.

ص: 35

---

1- در این جا کلمه «الاعلی» به کار رفته که بیانگر نهایت تواضع در پیشگاه خداوند در حال سجده است.

### اشاره

حدیث کساء افزون بر جاذبه قوی و کلمات جذاب آن و معرفت و محبت خاصی که در وجود انسان ایجاد می کند، آثار و فوایدی دارد که در متن پایانی حدیث شریف کساء، آن گاه که امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال نمود: «أَخْبِرْنِي مَا لِيَجْلُسَ نَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنَ الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ» (مرا آگاه نما که این نشستن ما در زیر کساء چه فضیلتی نزد خدا دارد؟)، به آن اشاره شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ سؤال امیر المؤمنین نخست با دو سوگند که حاکی از اهمیت موضوع است، آغاز می کند: «فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَأَصَ طَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا» (سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالتی نجات بخش برگزید)؛ یعنی سوگند به دو موضوع عظیم نبوت (بعثت و رسالت) و سپس به پنج فائده مهم اشاره می فرماید: « مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيَعَتِنَا وَمُحِبِّينَا وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا...» (و این خبر ما، در مجلسی از مجالس اهل زمین که گروهی از شیعیان و دوستان ما در آن باشند یاد نشود جز آنکه...). این فوائد عبارتند از:

### 1. نزول رحمت خاص

«وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ» (رحمت خدا بر آنان نازل گردد). رحمت به معنی مهربانی و نعمت و عنایت و لطف خداوند برای رفع

کاستی‌ها و کمبودها است که دامنهای وسیع و گسترده دارد و تمام مواهب جهان را شامل می‌شود. خداوند دو نوع رحمت دارد: یکی رحمت عام که شامل تمام موجودات جهان اعم از انسان و غیر انسان و مسلمان و غیر مسلمان می‌شود؛ مانند نعمت باران و رزق و غیره. دیگری نعمت خاص که مخصوص اهل ایمان و بندگان خاص خدا است: (أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ) (1)

اکنون با توجه به سیاق حدیث شریف کساء و جملاتی نظیر «وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ...»، آشکار می‌شود که منظور از رحمت در جمله «ثَلَاثٌ عَلَيْهِمُ الْمَهْ»، رحمت خاص است. خداوند نسبت به تمام بندگان خود مهربان است و به تمام افراد بشر نعمت‌ها و موهبت‌های فراوانی مانند باران، قرآن، هدایت، عقل و غیره عطا فرموده، اما نسبت به کسانی که به وسیله حدیث کساء به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام توسل پیدا میکنند و خبر مهم حدیث کساء را در مجالس خود بازگو و یادآوری می‌کنند، رحمت ویژه و نعمت خاص عطا خواهد نمود: «وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ»

## 2. عنایت ویژه فرشتگان

«وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ» (و فرشتگان آنان را در میان گیرند و برای آنان آمرزش طلب کنند).

فرشتگان الهی فراوانند و باور به آنان جزء اعتقادات اهل ایمان

ص: 37

است: (وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ... (1)؛ فرشتگانی چون اسرافیل، میکائیل، عزرائیل، جبرائیل و فرشتگان خاص و عام. در این میان، دسته ای از فرشتگان و ملائکه وجود دارند که فرشتگان رحمتند و اهل حدیث کساء یعنی شیعیان و محبان اصحاب کساء را با رأفت و مهربانی خاص در میان گرفته و برای آنان طلب آمرزش می کنند.

نکته بسیار مهم آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام نسبت به علاقه مندان حدیث شریف کساء دو بشارت میدهد: نزول رحمت و عنایت خاص ملائکه. آن گاه امیر المؤمنین علیه السلام با شنیدن این دو فایده و بشارت می فرماید: « إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَفَارَ شِيعَتُنَا وَرَبُّ الْكَعْبَةِ » (پس به خدا قسم ما رستگار شدیم و به خدای کعبه سوگند که شیعیان ما نیز رستگار شدند. پس از این موضوع مهم، پیامبر اکرم دو مرتبه با تکرار همان دو سوگند قبل (سوگند به بعثت و رسالت) سایر فوائد و برکات و آثار دیگر حدیث شریف کساء را به این صورت بیان می فرماید: « فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصِّ طَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا مَا ذُكِرَ خَيْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحْفَلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُجِبِّينَا... »

### 3. بر طرف شدن غصه و حزن

« وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَغْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ » (و در بین آنان اندوهناکی نباشد مگر آنکه خداوند اندوه او را بزدايد و

ص: 38

غمناکی نباشد مگر آنکه خداوند غم او را بگشاید).

یکی از عوامل ویرانگر و تباه کننده انسان، غم و غصه است. هم و غم ممکن است انسان را از پای در آورد و او را به انواع بدبختی ها و خسارت های دنیا و آخرت و بیماری های فراوان دچار سازد که این عامل خطرناک با خواندن حدیث کساء و توجه در آن، برطرف می شود. ان شاء الله.

هم یعنی حزن و اندوه، اضطراب، ناراحتی و گرفتاری و غم یعنی غصه و سختی و سنگینی که بر قلب وارد می شود؛ مانند ابر (غمام) که حالت پوشاندن را دارد؛ بنابراین هر غمی گرفتاری را هم همراه دارد، اما هر نوع همی الزاما غم ندارد. انسان هایی که مغموم و محزونند پیوسته در حال فرسوده شدن و اضمحلال درون به سر می برند و خاکستر غم و اندوه را به سر و صورت اطرافیان می ریزند.

آن دل که تویی در وی، غمخانه چرا باشد\* چون گشته ستون مسند، حنانه چرا باشد

غمخانه دلی باشد، کان بی خبر است از تو\* چون جای تو باشد دل، غمخانه چرا باشد

بیگانه کسی باشد، کار با تو نباشد یار\* آن کس که تو اش یاری، بیگانه چرا باشد (1)

البته هر نوع هم و غمی مذموم نیست. بعضی از آنها نه تنها مذموم نیست که ممدوح و عامل رشد و تکامل نیز هست. یکی از فضائل و ویژگیهای بندگان محبوب خدا، حزن و اندوه معنوی، انسانی، دینی، مسئله آخرت و فراق از محبوب است که از علم و معرفت و غیرت

ص: 39

---

1- فیض کاشانی.

دینی سرچشمه می گیرد (فَاسْتَشِعِرَ الْحَزْنَ)؛ جامه زیرین او، اندوه است. (1) بنابراین همان گونه که جامه زیرین مستقیم با بدن در تماس است و به تن چسبیده است، غم و اندوه نیز پیوسته با بنده محبوب خدا مانوس است.

غم دین شادی هر دو جهان است\*غم دنیای دون خوردن زیان است

غم دین خور که دنیا غم ندارد\*عروس یک شبه ماتم ندارد

#### 4. برآورده شدن حاجات

« وَلَا طَالِبُ حَاجَةٍ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ » (و اگر حاجت خواهی باشد، خداوند حاجت او را برآورد).

درخواست حاجت جزء امور زندگی شبانه روزی همه انسانها است (حاجات مادی، معنوی، مالی، جسمی، روحی و غیره). حاجت خواستن یعنی احساس و اظهار نیاز در برابر خدای بی نیاز که در دعای توسل نیز به آن اشاره شده است: «و قدمناک بین یدی حاجاتنا...» یکی از مهم ترین آثار و فوائد حدیث کساء آن است که اگر کسی حاجتی از خدا بطلبد خدا حاجت او را برآورده خواهد نمود و از مهم ترین حاجات یک مسلمان مسأله تربیت و هدایت و عاقبت به خیری است.

#### 5. رستگاری دنیا و آخرت

«إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَارُّوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

ص: 40

و رب الكعبه» (پس به خدا سوگند ما رستگار و سعادت‌مند شدیم و به پروردگار کعبه قسم که شیعیان ما نیز در دنیا و آخرت رستگار و سعادت‌مند شدند - رستگاری منحصر است به شیعه نه محب).

رستگاری و سعادت‌مندی به اندازه‌های مهم است که امیرالمؤمنین علیه السلام در دو نوبت در حدیث کساء به آن اشاره و کلمه فوز و قسم به کعبه را در دو جا تصریح فرموده است: یکی در حدیث کساء، یکی هم در محراب مسجد کوفه، آن گاه که شمشیر به فرق مبارک اصابت کرد و حضرت به شهادت رسید (فزت ورب الكعبه). بنابر این همان گونه که با شهادت علی بن ابی طالب علیه السلام، رستگاری تحقق یافت، خواندن حدیث کساء و تعمیق محتوای آن در اعماق جان انسان نیز مقرون به رستگاری است و ضمناً این نکته نیز تداعی می‌شود که عبودیت و ولایت ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند، بلکه برای رسیدن به عبودیت و رب کعبه از اول باید متصل و متوسل به ولایت اهل بیت علیهم السلام بود.

### سی نکته مهم حدیث کساء

در حدیث شریف کساء دهها نکته اعتقادی، توحیدی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، راه‌شناسی، علمی، تربیتی، اجتماعی، حماسی، عاطفی، اخلاقی، سیاسی، احکام استنباطی و... وجود دارد که عالمان و اندیشمندان متفکر می‌توانند از این رهگذر روح و روان خود و جامعه را سقایت و اشراب نمایند. در این جا از بین آنها اجمالاً به چند نکته اشاره می‌شود:

1- حادثه کسائیه به اندازه ای مهم بوده که جبرئیل نیز از خدا می خواهد تا تحت کساء قرار گیرد و از اصحاب کساء محسوب شود: «فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ اتَّأَذَنْ لِي أَنْ أَهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِسًا فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَهَبْطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ...»

2- جبرئیل بعد از آنکه با احترام و ادب خاص از پروردگار متعال اجازه می گیرد. به احترام رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از سلام به آن حضرت، از ایشان نیز اجازه ورود تحت کساء را می گیرد؛ زیرا ادب اقتضا می کند که از صاحبخانه نیز اجازه بگیرند: «وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ تَأْذَنْ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحَيَّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ...»

3- در حدیث کساء درباره فضائل اهل بیت، تعبیر «اهل البیت» به کار رفته، نه «آل البیت»: (اللهم این هؤلاء اهل بیتی ...); زیرا «آل» مفهوم «اهل» را ندارد، چنان که درباره پسر حضرت نوح علیه السلام نیز تلویحا به این موضوع اشاره شده و پسر نوح به عنوان اهل بیت حضرت نوح از سوی خداوند قبول نشد: (إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ... (1)).

4- از حدیث کساء استفاده می شود که در آسمان ها و کهکشانها موجودات زنده ای وجود دارند و در آنجا زندگی میکنند و سکونت دارند: «و یا سکان سماواتی...» در دعای سوم صحیفه سجادیه نیز به این موضوع اشاره شده است.

ص: 42



5- حدیث کساء باعث دور شدن شیاطین و حضور ملائکه می شود: «وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ ...»

6- حدیث کساء با أم الأنیمه آغاز می شود: «عن فاطمه الزهراء علیها السلام» و با أم القرى پایان می یابد: «رب الكعبه»

7- حدیث کساء با سلام پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز می شود: «السلام علیک یا فاطمه»، و با سلام خداوند خاتمه می یابد: «العلیُّ الأعلیٰ یقرُّکَ السَّلامَ...»

8- حدیث کساء با دعای حضرت زهرا علیها السلام و سخنان شیرین او آغاز می شود: «أعیدک بالله»، و با دعای امیر المؤمنین علیه السلام پایان می یابد: «(و رب الكعبه)» .

9- حدیث کساء یک گفت و گوی جامع و شگفت انگیز عارفانه، حکیمانه، تربیتی، عاطفی و صمیمی و خانوادگی در نهایت صفا و صمیمیت و با کلمات محبت آمیز با محوریت امامت و رهبری اهل البیت علیهم السلام و آیه تطهیر است؛ گفت و گوی پیامبر و با فاطمه علیها السلام (پدر و دختر)، گفت و گوی فاطمه علیها السلام با امام حسن و امام حسین علیهما السلام (مادر و فرزند)، گفت و گوی فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام (زن و شوهر)، گفت و گوی پیامبر و با علی علیه السلام، گفت و گوی خدا با پیامبر صلی الله علیه و آله و بالاخره گفت و گوی خدا با ملائکه و جبرائیل و سکان آسمانها. باب این گفت و گوها را پیامبر صلی الله علیه و آله با سلام به حضرت زهرا علیها السلام گشود.

10- در حدیث شریف کساء علاوه بر الفاظ و کلمات دلربا و جذاب، نمونه هایی از دیدن، اشاره کردن، استشمام و غیره هم به چشم

می خورد؛ مثلاً به منظور معرفی اهل بیت علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب کلمات دلنشینی فرمود: «اللهم این هؤلاء اهل بیته...» سپس با عمل نیز همین موضوع را تأیید و آشکار فرمود (أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ وَأَوْمَى بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ...). همچنین حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر گفتگوهای عاطفی با پدر بزرگوار، به دیدن نور نبوت و نور ظاهری و باطنی پیامبر و نیز اشاره فرمود: «وَصِدْرْتُ أَنْظَرُ إِلَيْهِ وَإِذَا وَجَّهُهُ يَتَلَاوُ كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلِهِ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ». در چند مورد نیز به استشمام و احساس بوی خوش (رایحه طیبه) اشاره شده است. بنابراین در حدیث کساء علاوه بر انتقال مطالب مختلف به وسیله کلمات و مجموعه الفاظ، موضوع استشمام، احساس، دیدن باطن، حرکت دست و اشاره به آسمان و ... نیز وجود دارد.

11- بشارتها و نزول رحمت الهی که در حدیث کساء به آن اشاره شده، تنها به حضور در محفل خاص و خواندن حدیث کساء و حتی وجود انسان اختصاص ندارد، بلکه اگر شیعه ای محب اهل بیت علیهم السلام باشد (و محببنا)، یا به طور کلی در محفل نباشد بلکه شخص به تنهایی حدیث شریف را بخواند یا حتی از جنس انسان هم نباشد بلکه جن باشد (فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ)، در تمام موارد مذکور (مَا ذُكِرَ خَيْرُنَا هَذَا...) مشمول رحمت الهی خواهد بود؛ زیرا دایره اثربخشی این حدیث، بسیار وسیع و گسترده است.

در عین حال، چنان که از مضمون حدیث استفاده می شود، بهترین مصداق کلمات و مفاهیم حدیث کساء آن است که جمعی از شیعیان و

محبین (مهمومین و مغمومین و حاجت مندان) در مجلس و محفل ذکر اهل بیت، به ذکر آنان و قرائت حدیث کساء پردازند: «ما ذَكَرَ خَيْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَمُجَبِّينَا...» و با توسل به اهل بیت علیهم السلام حاجات خود را از خداوند بخواهند و بدین وسیله هم و غم را از درون خویش بزایند.

12- در حدیث کساء پیامبر صلی الله علیه و آله در پیشگاه پروردگار با دست راست خود به آسمان اشاره کرد و دعا نمود: « وَأَوْمَى بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ.. فاجعل 1- صلواتک 2- وبرکات 3- ورحمتک 4- وغفرانک 5- ورضوانک عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ 6. وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ 7. وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً» که متعاقب این هفت نوع دعا و تقاضاهای پیامبر صلی الله علیه و آله، آیه تطهیر نازل شد و بدین وسیله دعاها را پیامبر درباره اهل بیت علیهم السلام مستجاب گردید. این دومین دعای مستجاب در حدیث کساء است که یکی در آغاز حدیث بود؛ یعنی دعای مستجاب حضرت زهرا علیها السلام (أعیدک با الله...) و دیگر در این جا که دعای مستجاب پیامبر صلی الله علیه و آله و نزول آیه تطهیر است.

13- در حدیث شریف کساء به مجموعه تعالیم دینی که در سه بخش اعتقادی، اخلاقی و احکام و آداب خلاصه می شود در ابعاد مختلف اشاره شده است؛ مثلاً درباره توحید و پناهندگی به خدا: (أعیدک با الله) و نیز در همین موضوع درباره اخترشناسی، کیهان شناسی، زمین شناسی، فلک، فلک، دریا و تأمل و توجه به آیات عظیم الهی: (سُكَّانَ سَمَوَاتِي... سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةٌ وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً

مُضِيَّتَهُ وَلَا فُلُكًا يَدُورُ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فُلُكًا يَسْرِي)، تعبیری ذکر شده که مفاهیم توحیدی بسیار مهمی در آنها نهفته است با تعمق در بحر عمیق این کلمات، نور توحید در وجود انسان تقویت می گردد؛ به ویژه تعبیر «أَرْضًا مَدْحِيَّةً» و «دحو الأرض» یا کلمه «قمر و شمس» که شامل همه اقمار و کل شمس می شود، یا «بَحْرًا يَجْرِي» که به جزر و مد دریاها یا صعود به آسمان و هبوط به زمین و تبخیر آب و مسئله باران اشاره دارد. مجموعه این تعبیرهای بلند (شمس، قمر، فلک، لک) در سوره یس و آیات دیگر قرآن نیز آمده است؛ مانند: (فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ) یا (فلک یسبحون) یا «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا». استفاده از این تعبیر در حدیث شریف کساء البته حاوی یک نکته مهم دیگر است و آن این که هر یک از این کلمات با فعل مضارع که برای استمرار است و نیز با اسم مفعول آمده است: «سَمَاءً مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَرًا مُنِيرًا وَلَا شَمْسًا مُضِيَّةً وَلَا فُلُكًا يَدُورُ وَلَا بَحْرًا يَجْرِي وَلَا فُلُكًا يَسْرِي». از همه مهم تر این که این تعبیر، مبین این نکته است که موضوع ولایت اهل بیت و امامت آنان با کل نظام هستی و آفرینش جهان در ارتباط و در هم تنیده است که در این جا هزاران نکته باریک تر از مو وجود دارد.

ما من سماء خلقتها مبنیه\* و لیس ارض فی الثری مدحیه

ولا خلقت قمرا منیرا\* کلا ولا شمساً أضاعت نورا

خداوند آیات عظیم خود مانند سماء و ارض را نام برده و به طور

کلی فرموده «ما خلقت الأشياء» بلکه به نمونه های مهمی از نظام آفرینش و عظمت خلقت اشاره فرموده تا انسان با مطالعه آیات الهی، خدا را بشناسد، آن گاه بفهمد و اقرار کند که خداوند تمام این نظام آفرینش با آن همه عظمت را به طفیل وجود اهل بیت علیهم السلام آفریده و درخت عالم را به خاطر معصومین علیهم السلام آبیاری کرده است.

بنابر این هنگامی که به اطراف خود (زمین، آسمان، کهکشان ها، افلاک، دریاها، ماه و خورشید...) نگاه میکنیم (نگاه عمیق توحیدی)، محبت اهل بیت علیهم السلام را در درون وجودمان افزون می یابیم؛ زیرا تمام جهان آفرینش را خداوند به خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آفریده (انی ما خلق سماء مبنیه... الا فی محبه هؤلاء الخمسه...) آسمان با عظمت (اسماء مبنیه)، زمین گسترده و پهناور (أَرْضاً مَدْحِیَّةً)، ماه تابان (قَمَرًا مُنیراً)، خورشید نورافکن و باعظمت (شَمْساً مُضِیَّةً)، کهکشان ها و گردش سیارات بر مدار ستارگان (فَلَکاً یَدُورُ)، آبهای جاری دریاها و رودها (بَحْرًا یَجْرِی)، حرکت کشتیها در دل اقیانوس ها (فَلَکاً یَسْرِی)، همه به خاطر محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است (یعنی اهل بیت علیهم السلام کلید گنجهای عالم هستی و نظام آفرینش هستند).

بعد از موضوع توحید، مسأله قیامت از جمله مسائل مهم اعتقادی است که در حدیث شریف کساء با تعبیرهای خاصی از آن یاد شده است؛ مانند: «صاحب حوضی» یا «شافع امتی». هم چنین به فرازهای دیگری از معارف دین مانند احکام، اخلاق و آداب با تعبیرهای خاصی اشاره شده است؛ مانند: سلام و رد سلام، دعا برای مریض، نظر به

صورت پدر: (وَصِرْتُ أَنْظَرُ إِلَيْهِ)، نظر به صورت معصوم علیه السلام، معطر بودن و استعمال بوی خوش و نظافت: (إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً...). دیگر موضوعات عبارت است از: مدح مؤمن و توقیر او، احترام به بزرگ تر و ترحم به کوچک تر: (وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَاِرْحَمُوا صِغَارَكُمْ)، احترام همسر، طلب استغفار، ادخال سرور، طهارت و پاکی، برآوردن حاجت دیگران و...

14- در حدیث شریف کساء، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تِي أَحَدٌ فِي بَدَنِي ضَعْفًا». کلمه «بدنی» توهم هر نوع بیماری روحی و نفسی را رفع و دفع می کند؛ زیرا پیامبر و در جریان کسائیه، یک ضعف جسمی داشته که با دعای حضرت زهرا علیها السلام آن ضعف جسمی برطرف گردید. در قرآن نیز مشابه این موضوع درباره حضرت ابراهیم علیه السلام آمده که خداوند از زبان ابراهیم علیه السلام فرموده: (إِنِّي سَقِيمٌ). (1)

15- در حدیث شریف کساء پیامبر صلی الله علیه و آله به نام مقدس اهل بیت (چهار نفر) تصریح نمود تا توهم نشود زنهای پیامبر هم جزء اهل بیت اند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي ... هُمُ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا». در این جمله از یک طرف کلمه اهل بیت به کار رفته (با حکمتی که در نکته 3 اشاره شد) و از سوی دیگر نیز با تصریح به چهار نفر که با خود پیامبر صلی الله علیه و آله پنج نفر می شوند به اهل بیت خاص یعنی معصومین اشاره شده و بر این اساس مراد از اهل بیت، اهل بیت عام که زینب، ام کلثوم،

ص: 48

علی اکبر، ابوالفضل علیهم السلام هستند، نیست. (1) ابتکار پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که حصر آیه را به صورت عملی و خارجی تجسم نمود؛ به این نحو که وقتی ام سلمه خواست به زیر عبا وارد شود پیامبر صلی الله علیه و آله با رعایت احترام برای وی، او را از این عمل منصرف نمود و به او فرمود: «انک لعلی خیر» و با کشاندن عبا به دور اهل بیت خاص (خمسه طیبه) موضوع این آیه را عملاً و خارجاً به همان چند نفر اصحاب کسا علیهم السلام منحصر فرمود.

16- ممکن است این سؤال به ذهن خطور کند که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله برای منظور و هدف مقدسی که داشت، کساء و گلیم را انتخاب فرمود؛ در صورتی که ممکن بود زیر سایه درخت یا در اتاق یا در مسجد و امثال آن، برنامه ایشان اجرا شود. در پاسخ می توان اظهار داشت که شاید به این دلیل باشد که لباس، یک مسأله عمومی و جهانی است و برای تمام مردم دنیا یک عامل پوشش است و مردم با آن در ارتباط هستند؛ در صورتی که زیر سایه درخت یا امثال آن این عمومیت را ندارد. بنابراین همین پوشش عمومی و معمولی مردم می تواند موضوع کسائید پیامبر صلی الله علیه و آله را تداعی کند و تقریب به ذهن گرداند و مردم از این رهگذر به هدف پیامبر صلی الله علیه و آله که مسأله ولایت است آگاه شوند و از آن پوشش عام به پوشش خاص یعنی قضیه کسائیه پی ببرند؛ همان طور که در واقعه غدیر خم کنار آب به نوعی دیگر تداعی معانی می کند. از

ص: 49

سوی دیگر، نیز شاید علت این که کسای یمانی انتخاب شد نه کسای شامی یا عراقی، ضخیم بودن یا بلندتر و بزرگ تر بودن و مرغوبیت خاص آن بوده یا شاید هم جز آن کسای یمانی، گلیم دیگری در دسترس نبوده است که این نظریه با توجه به الف و لام «ایتینی» در شأن حدیث کساء نیست: «ایتینی بِالْکِسَاءِ الْیَمَانِیِّ فَغَطَّیْنِ بِهِ.» «ضمنا فاء (فغطینی)» نیز فاء تفریع است؛ یعنی کسانی که قابل این پوشش هستند؛ مانند آن جا که حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «دَخَلَ عَلَیَّ اَبِی، فَقَالَ...» که فاء «فقال»، فاء تفریع است و نفرمود «وقال»؛ زیرا نکته ای در فاء هست که در واو نیست.

17- حدیث کساء از بزرگ ترین و مهم ترین داروهای معنوی و ضد افسردگی و اضطراب است (فَرَجَ اللّٰهُ هَمَّهُ... وَكَشَفَ اللّٰهُ غَمَّهُ...) که ای کاش جامعه اسلامی به همان اندازه ای که برای دردهای جسمی، روحی و روانی به داروهای عوارض ساز شیمیایی اعتماد داشت به این عامل سرنوشت ساز معنوی به عنوان درمان دردهای معنوی پایبند بود. ظاهرا برای خواندن حدیث کساء آداب خاصی نیامده، اما به نظر می رسد با توجه به کلمات جذاب و عاطفی آن، مانند فاطمه، زهرا، رسول الله، اماء، اشم رایحه طیبه و..، اگر با صدای دلنشینی همراه با روشن نمودن عود و استفاده از عطر و گلاب و نشست جمعی از شیعیان در فضای سرسبز و خرم و در صورت امکان کنار آب و پوشیدن عبا انجام پذیرد از نظر روانشناسی و آرامش روح و روان، تأثیر بیشتری بر مخاطبان و خوانندگان داشته باشد.



حدیث شریف کساء از چند منظر قابل توجه و دارای چند نوع وجود است

وجود کتبی یا لفظی که الفاظ و کلمات نورانی آن مملو از زیبایی کلام و محبت آمیز و سرشار از بعد عاطفی و جذابیت فراوان است؛ لذا زمزمه کلمات شیرین آن و نیز نوشتن، خواندن و شنیدن و نیز همراه داشتن متن حدیث کساء مایه خیر و برکت و آرامش انسان خواهد بود.

وجود ذهنی (که در ذهن هر کس از شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام خمسه طویه جای دارد). جای داشتن اهل بیت علیهم السلام در ذهن موجب آرامش، نورانیت دل و باطن و جان و صفای درون خواهد بود. حدیث کساء قلب و عقل انسان را صیقل می دهد و باعث شکوفایی عقل نیز خواهد گردید.

وجود ماهوی و عمق معانی و معارف ژرف و عالی حدیث کساء اعم از بعد احساسی و حماسی و نیز بعد ماهوی معرفتی و اعتقادی و تربیتی آن از ژرفای فراوانی برخوردار است. بنابراین جهت بهره مند شدن کامل از ابعاد مختلف حدیث شریف کساء اولاً در خواندن و نوشتن و استماع آن دقت شود که به طور صحیح و بی غلط اداء شود. ثانیاً تصور ذهنی آن به محوریت آن مقرون گردد؛ زیرا محور آن ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام است که ذکر اهل بیت علیهم السلام انسان را به ذکر حقیقی خداوند منتقل می سازد (ذکرنا ذکر الله). ثالثاً به عمق محتوا و بعد ماهوی حدیث با نگاه حماسی و فکری و اعتقادی توجه شود تا از این رهگذر زندگی دینی، حال و هوای محبتی و ولایتی پیدا کند. ان شاء الله.

ص: 51

اول موضوعی که برای آن سوگند یاد می شود (معمولا برای چیز مهم قسم می خورند).

دوم کسی که سوگند می خورد (معمولا قسم انسان بزرگوار و محترم معتبر است، نه هر کسی).

سوم به چیزی که از آن سوگند یاد می شود (آن چیز نیز باید مهم و ارزشمند باشد؛ مثلا در قرآن مجید خداوند در سوره تین به چهار چیز مهم و نیز به موضوع با عظمتی یعنی آفرینش انسان در بهترین قوامها سوگند یاد نموده است).

در بخش پایانی حدیث شریف کساء موضوع مهمی که برای آن سوگند یاد شده، نزول رحمت و فرشتگان الهی و رفع هم و غم و برآورده شدن حاجات و سرانجام رستگاری است که تمامشان به وسیله حدیث کساء و توسل به اهل بیت علیهم السلام به دست می آید. امیر المؤمنین علیه السلام برای همین موضوع قسم خورده است؛ همان طور که هنگام شهادت در مسجد کوفه برای مسئله مهم شهادت سوگند یاد نمود (فزت وربّ الکعبه). در اهمیت این موضوع همین بس که امیر المؤمنین علیه السلام در این حدیث شریف برای این مسئله دو نوبت سوگند یاد نموده است: « فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شِيعَتُنَا فَازُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ . »

پس هم موضوعی که برای آن سوگند یاد می شود و هم چیزی که به آن سوگند یاد می شود باید هر دو مهم و با یکدیگر متناسب باشند؛  
مثل

این که مسئله شهادت در راه خدا با سوگند به رب الكعبه تناسب دارد. در این حدیث شریف نیز مسئله امامت و ولایت به عنوان محور حدیث و توسل به اصحاب کساء با سوگند به رب الكعبه تناسب فراوانی دارد؛ زیرا در روایات اشاره شده که «مثل امام مثل کعبه است.»<sup>(1)</sup> دیگر آنکه به کعبه ای سوگند یاد شده که أم القری است و همه فکرها و دل ها و فطرتها به طرف آن توجه و گرایش دارد. در این جا نیز اهل بیت علیهم السلام یا همان اصحاب کساء کعبه دلها و فطرت های سالم هستند. بر این اساس آشکار می شود با توجه به مضمون و محتوا و محور حدیث کساء، کعبه متناسب ترین چیزی است که می توانست به آن سوگند یاد شود و گرنه چیزهای دیگر مانند صفا و مروه و امثال آن نیز برای سوگند خوردن وجود داشت.

19 - نه تنها مطالب، فرازها و بخش های مختلف حدیث کساء در منابع روایی و احادیث متعدد دیگر آمده است (مانند «لَا جِلْکُمْ» که به حدیث قدسی «لولاک...» شباهت دارد)، بلکه نمونه های فراوانی از واژه های به کار رفته در دعاهای مشهور، مشابه تعبیری است که در این حدیث شریف استفاده شده است که از دهها نمونه به چند مورد اشاره می شود:

«أهل التُّبَّوْه» (مشابه آن در زیارت جامعه که به شناسنامه

ص: 53

---

1- سفینه البحار، ج 2، ص 282 (کعب). در بعضی روایات نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مثل علی کمثل الكعبه»، علت این تشبیه نیز آن است که مردم دور کعبه می گردند نه کعبه دور مردم (اذ یؤتی و لا یأتی). نیز کعبه مانند امام مایه قوام دین و محبوب مردم است و از حرمت خاص برخوردار.

اهل بیت علیهم السلام معروف است نیز آمده است).

«و لا طالب حاجه» (مشابه آن در دعای توسل: «بین یدی حاجاتنا» یا در دعای ابوحمزه: «فَلَا تُرَدَّنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي»).

«نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ» (مشابه آن در دعای کمیل: «اللهم انی اسئلك برحمتک التی وسعت کل شیء» یا در دعای عرفه: «لولا رحمتک لکنت من الهالکین»).

«بَحْرًا یَجْرِي» (مشابه آن در دعای عهد: «و رب البحر المسجور» و نیز در دعای جوشن: «یا من فی البحار عجائبه»).

«التحیه و السلام» (مشابه آن در دعای جوشن: «یارب التحیه و السلام»).

«الْعُلَى الْأَعْلَى» (مشابه آن در دعای عرفه: «الْعُلَى الْکَبِیر»).

«سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةٌ...» (مشابه آن در دعای یستشیر: «سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا أَرْضًا مَدْحِيَّةٌ»).

«سُكَّانَ سَمَوَاتِي» (مشابه آن در دعای سوم صحیفه سجادیه: «سُكَّانَ سَمَوَاتِك»).

«آیه تطهیر همراه با جملات یا اخی و یا وصیی و خلیفتی و صاحب لوائی... خَاصَّتِي وَحَامَّتِي لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَدَمُهُمْ دَمِي... أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَسَيِّئٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَمُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ...» (مشابه آن در دعای ندبه همراه با آیه تطهیر: «انت آخی و وصیی و وارثی... لَحْمُكَ لَحْمِي وَدَمُكَ دَمِي...»).

«تمام اصحاب کساء حتی جبرئیل که قبلا از خدا اجازه گرفته بود،

از پیامبر صلی الله علیه و آله اذن دخول و اجازه ورود تحت الکساء گرفتند» (مشابه آن در زیارتگاه ها و زیارت اولیای الهی نیز وجود دارد که قبل از ورود در داخل حرم مطهر، ابتدا با عرض ادب و احترام اذن دخول می گیریم و وارد شده است که بگوییم: «وَأَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟»).

در حدیث کساء بیست نوبت کلمه «سلام» با تعبیر «السلام علیک» شامل سلام های متعدد با جواب های مضاعف آنها مانند سلام پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام آمده است» (مشابه آن در زیارت عاشورا نیز در قالب سلام بر رسول خدا، امیر المؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام با تعبیر «السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک یا بن رسول الله و...» وارد شده است. البته در زیارات دیگر نیز سلام بر نبی و وصی با تعبیر «سید الأنبیاء، سید الأوصیاء، سید نساء العالمین» نیز آمده است؛ چنان که در آغاز زیارت عاشورا سلام به سه سید بزرگوار ذکر شده است).

حدیث شریف کساء در کیفیت مطالب و محتوا و موضوعات متعدد و نیز در کمیات کلمات و الفاظ دلنشین، شباهت های فراوانی با مجموعه دعا های مشهور و معروف دیگر دارد و معجون مرکبی است از تمام معارف و پیام های دیگر دعاها و احادیث؛ افزون بر آن، متن، این حدیث از یک نوع آهنگ و پیام عاطفی خاص و جذاب نیز برخوردار است.

20- حدیث شریف کساء که متن آن بر سندیت محکم آن دلالت دارد، دارای اسرار و رمز و رازهای ناشکفته ای است که تا کنون کسی از آنها مطلع نگردیده است؛ مانند این که: هبوط جبرئیل علیه السلام به سوی زمین

اولاً- چگونه و با چه سرعتی بوده و چگونه ورود ایشان تحت الکساء تحقق یافته است؟ یا چگونه در بین آن همه فرشتگان مقرب الهی، جبرئیل اذن ورود تحت الکساء را گرفت؟ یا اینکه جبرئیل مانند داستان دحیه کلبی به شکل انسان بوده یا نظیر حدیث معراج بوده که جبرئیل از آسمان به زمین آمد و همراه و همگام پیامبر صلی الله علیه و آله با براق به معراج و مسجدالاقصی رفت؟ هم چنین حضرت زهرا علیها السلام چگونه قبل از نزول جبرئیل از گفت و گوی خدا با جبرئیل خبر داشته است؟ یا مراد از

بعض ایام» کدام ایام بوده است؟ یا چرا «قمرأ منیراً» قبل از «شمساً مضمیئاً» آمده است در صورتی که در قرآن اول شمس آمده و بعد قمر: (وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاهَا)؟ همین طور، چرا و چگونه ورود تحت الکساء از امام حسن علیه السلام آغاز گردید؟ یا نحوه جلوس اصحاب کساء تحت الکساء چگونه بوده است؟ و... همه این رموز و اسرار بیانگر آن است که کلمات حدیث شریف کساء نمی تواند از غیر معصوم صادر شده باشد.

21 - در مواردی از حدیث کساء گاهی چند جمله به طور کامل تکرار شده که با نگاه سطحی و ظاهری به نظر می رسد تکرار باشند، اما اگر با نگاه عمیق به آنها توجه شود نکات بسیار ظریف و مهمی را در بر دارند، مانند: «فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأْتُكَتِي وَيَا سُكَّانَ سَمَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ...» (وَعَزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ...)». اگر با تأمل بیشتری به این دو فراز بنگریم، می یابیم که در فراز نخست، مخاطب خداوند، ملائکه و سکان آسمانها است و گویی به آنان گفته می شود که فلسفه

آفرینش جهان، محبت خمسه طیبه است: «إِلَّا فِي مَحَبَّتِهِ هُوَ لِأَنَّ الْخَمْسَةَ»؛ در صورتی که در فراز دوم، خداوند متعال برای تأکید و تحکیم بیشتر این موضوع و در مخاطبت با تمام عالمیان، به عزت و جلال خود سوگند یاد نموده (انی ما خلقت...) و آفرینش نظام هستی را فراتر از مسئله محبت خمسه طیبه، طفیل وجود آنان دانسته است: «إِلَّا لِأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ...»

بر پایه همین نکته ظریف آشکار می شود که جایگاه با عظمت اهل بیت علیهم السلام نه تنها بر مردم دنیا و اهل زمین که بر اهل آسمانها و فرشتگان الهی نیز جاری و حاکم است و آسمان، زمین، ماه، خورشید، فلک، دریا، فلک و تمام هستی بر مدار وجود مقدس آنان در حرکت است. در این میان، این، انسان است که نباید از قافله آفرینش جهان هستی عقب بماند و نظم و انضباط و میزان عالم را بر هم زند: (أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ). (1)

22- در تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله در دو جمله «بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصِدًّا طَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا»، یعنی دو سوگند به دو موضوع مهم (بعثت و رسالت)، بیانگر آن است که اولاً سوگند پیامبر صلی الله علیه و آله برای عموم مردم است نه برای اهل بیت علیهم السلام، تا با ایمان و باور قطعی به تحقق وعده های الهی امید داشته باشند؛ زیرا برای اهل بیت نیازی به قسم نیست و اصحاب کسا «بعثی» را باور داشتند. ثانیاً تکرار این دو جمله در دو نوبت با

ص: 57

واژه های بعثت، نبوت، اصطفاء و رسالت به خاطر اهمیت مقسم علیهم است؛ یعنی نزول رحمت و چهار موهبت دیگر...

23- همان طور که کلمات و آیات قرآن مجید از آغاز تا پایان به صورت زنجیره ای و به ترتیبی خاص با یکدیگر ارتباط دارد، فرازهای گوناگون حدیث شریف کساء نیز همین ویژگی را دارد. به عنوان نمونه، جمله «قمرأ منیراً» بر «شمساً مضمینة» مقدم گردیده، در صورتی که بر حسب ظاهر نخست باید شمس و سپس قمر بیاید زیرا نور ماه از خورشید است و خورشید مهم تر از ماه است؛ حال آنکه در این حدیث شریف چون تکیه و تأکید بیشتر بر اعمار آسمان ولایت (معصومین) بوده است، فراز «قمرأ منیراً» مقدم ذکر شده است. به عبارتی، شاید علت این تقدیم و تأخیر از نظر و نگاه باطنی آن باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه تطهیر با طرح دقیق واقعه کسائیه و معرفی یک یک اصحاب کساء (درست مانند طرح غدیر برای معرفی امیر المؤمنین علیه السلام) بدین وسیله اصحاب کساء را به مردم دنیا معرفی نمود تا مردم از همین رهگذر به خدا و به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک و هدایت شوند. گویی در حدیث کساء روی کلام و محور اصلی، معرفی اهل بیت و هدایت مردم به وسیله جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که چونان اقماری در پرتو خورشید نبوت در جهان نورافشانی می کنند. بر این اساس انسان ها از طریق ماه تابان اهل بیت علیهم السلام به خدا و رسول خدا نزدیک می شوند؛ نظیر محتوای کلام پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها» که در حقیقت شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام درب ورودی آن است.



24- هنگامی که امام حسین علیه السلام برای رفتن در زیر کساء از جد بزرگوار خود اجازه ورود می گیرد: «أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ» «آیا به من اجازه میدهی با شما در زیر کساء باشم؟» به طور معمول، باید «معک» می فرمود؛ زیرا از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اذن ورود گرفته و باید ضمیر مفرد به کار می برد، اما از آن جایی که این خاندان، مظهر ادب و احترام هستند، به احترام برادر خود امام مجتبی علیه السلام که پیش از ایشان در زیر کساء قرار گرفته بود، ضمیر تثنیه به کار برد و فرمود: «معما» .

همین نوع ادب و احترام را امیر المؤمنین علیه السلام درباره حضرت زهرا علیها السلام به کار می برد و با این که از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه ورود می گیرد، اما به احترام دیگران که در زیر کساء هستند، ضمیر جمع به کار می برد: «أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ»

25- تمام کلمات این حدیث شریف از حضرت زهرا علیها السلام است (زیرا در سند آن آمده است: «عن جابر، عن فاطمه...»). از سویی، فاطمه علیها السلام می گوید: «قال الله عزوجل يا ملاکتی...». بر این اساس معلوم می شود آن حضرت از گفتگوی خدا با ملائکه خبر داشته که قول خدا را در این حدیث نقل می کند. اگر گفته شود وحی منحصر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و بعد از ایشان دیگر به کسی وحی نخواهد شد، در صورتی که از مضمون حدیث کساء معلوم می شود به فاطمه علیها السلام هم وحی شده است، در پاسخ می گوئیم:

اولاً شما درباره مصحف فاطمه علیها السلام که قطعی و مسلم است چه می گوئید؟

ثانیاً مقام فاطمه علیها السلام، مقام تحدیث است و او هم محدثه است و هم محدثه. پس اگر می گوید «قال الله» اشاره به همان مقام محدثه بودن آن حضرت است.

مقام فاطمه علیها السلام آن قدر بلند و متعالی است که پیامبر با آن مقام والایی که در جهان هستی دارد و همه موجودات عالم به او متوسل و ملتجی می گردند و اول شخص عالم است، به فاطمه علیها السلام روی می آورد تا فاطمه علیها السلام برایش دعا کند و با استعاذه وی به مقام ربوبی، ضعف بدنی پیامبر صلی الله علیه و آله برطرف گردد.

26- ضعف بدن که در حدیث آمده (إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا)، شاید اشاره به ضعف بدنه و پیکره اسلام باشد که در اثر صدمات و ضربه های فراوان دشمنان اسلام و منافقین ایجاد گردیده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله برای تبدیل آن ضعف به قوت، احساس نیاز نمود تا دعا کند و به خداوند متوسل گردد. بر همین اساس آن را با فاطمه علیها السلام که «بقیه النبوة» بود در میان گذاشت تا با دعای فاطمه علیها السلام و اجابت آن از سوی خداوند، اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله تقویت گردند. بنابراین منظور از این کلام (إِنِّي أَجِدُ...) آن است که من یافتم بدنه و پیکره اسلام در معرض خطر و ضعف و سستی است و تنها راه نجات و محل امن و امنیت، پناهندگی به خدا و مصونیت در پرتو اهل بیت علیهم السلام و اصحاب کساء است و شاید به همین منظور پیامبر صلی الله علیه و آله خانه حضرت زهرا علیها السلام را برای قصه کسائی برگزید. هم چنین شاید بار سنگین مسئولیت و ولایت و تحقق مصادیق آیه تطهیر، پیامبر صلی الله علیه و آله را بر آن داشت تا با کمک و دعای فاطمه علیها السلام سنگینی آن بار را تحمل نماید.

اشاره به این دو نکته بدین جهت است که همان گونه که قرآن ظاهر و باطن و به تعبیر دقیق تر باطنهایی دارد، کلمات معصومین علیهم السلام و از آن جمله حدیث شریف کساء نیز دارای ظاهر و باطن است.

27- در حدیث کساء چند کلمه است که با وجوه مختلف قرائت می شود:

یکی کلمه «کساء» که به کسر کاف صحیح است (الكساء بالكسر و المدّ واحد الاكسبه)؛

یکی دیگر کلمه «اشم» است که به فتح شین صحیح است (و هو فتح الشين مضارع شيم كعلم و أصله يشم بقلب الفتحه الى الشين وأدغمت)؛ دیگری نیز جمله «یقرک» است که به همین صورت یعنی ضم یاء صحیح است و دارای دو مفعول است: یک «ک» و دیگر «السلام»؛ یعنی «تورا سلام می رساند». (1)

28- از جمله «وَأَوْمَىٰ بِيَدِهِ الْيُمْنَىٰ إِلَى السَّمَاءِ» استفاده می شود که در هنگام دعا مستحب است دست به طرف آسمان بلند شود؛ شاید به این دلیل که ارزاق و تقدیرات الهی از آسمان نازل می شود. البته دست راست افضل است؛ لذا مستحب است انگشتر در دست راست باشد، همچنین مصافحه با دست راست انجام شود یا در قیامت نامه اعمال اهل نجات به دست راستشان داده می شود.

در تقدم دست راست بردست چپ نکته دیگری نیز وجود دارد:

ص: 61

---

1- مجمع البحرين، ج 6، ص 100؛ تاج العروس، ج 16، ص 391، المصباح المنیر، ج 2، ص 502.

«فرما لأنَّ اليد اليسرى حيث كانت أقرب إلى القلب لم تحتج إلى الحركة و الفعاليه التي تحتاج إليها اليد اليمنى البعيده عن القلب، حيث تحتاج إلى التحرك الأكثر كي تتوازن مع اليسرى في القوه و النشاط و الحيويه.» (1)

29- ممکن است انسان به حسب ظاهر تصور کند که دعا و خواندن حدیث و توسل به اصحاب کساء تأثیری در شفای بیمار و هم و غم نداشته و آثاری از آن آشکار نگشته است. در جواب این موضوع باید گفت:

اولاً موارد فراوانی از تأثیر شگفت انگیز حدیث شریف کساء درباره شفای بیماران و امثال آن وجود دارد که قابل اثبات است.

ثانیاً این آثار مترتب بر شیعه و محب بودن است که شاید این شرط درست محقق نشده باشد یا آنکه گناه بزرگی وجود داشته باشد که مانع استجاب دعا گردد: «اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء.»

ثالثاً حدیث کساء و سایر دعاها یک عامل قوی و زمینه ساز و مقتضی برای شفای بیماران و رفع حاجات است، ولی علت تامه نیست؛ بلکه به نحو اقتضا است؛ همان گونه که بسیار اتفاق می افتد دارو در درمان بیماری تأثیری نداشته باشد یا حتی ممکن است دعا تحت قبه امام حسین علیه السلام نیز مستجاب نگردد.

رابعاً گاهی مسئله امتحان شدید خداوند در کار است که خداوند با تحمل سختی ها و مصائب یا بیماریها اراده کرده تا شخص مغموم و

ص: 62

---

1- من فقه الزهراء، ج 1، ص 156.

محزون، از گناهان پاک و تصفیه شود یا مقامی بزرگ به وی عطا گردد.

خامساً خداوند صلاح و مصلحت انسانها را از خود انسان ها بهتر می داند؛ بنابراین باید دنبال رضای خدا و صلاح الهی بود: «وَلَا حَاجَةَ هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»؛ «و هیچ حاجتی که رضا و خشنودی تو و صلاح من است نباشد جز آنکه آن را برآورده گردانی.» (1) مصلحت نیست که این زمزمه خاموش شود.

30- حضرت زهرا علیها السلام در مقام پاسخ به سلام و عرض ادب امام حسن علیه السلام با دو عنوان «قره عینی» و «ثمره فوادی» پاسخ فرمود، اما در پاسخ سلام امام حسین علاوه بر دو عنوان مذکور کلمه «ولدی» را نیز اضافه فرمود که به نظر می رسد چون او فرزند کوچک تر بود، به طور معمول پدر و مادر محبت و نوازش بیشتری به او می نمایند و شاید چون نسل امامان علیهم السلام از امام حسین علیه السلام استمرار داشته، به همین دلیل «ولدی» را اضافه فرموده تا اشاره ای باشد به تمام امامان تو شاید نیز اشاره ای تلویحی باشد به کربلا و عاشورا؛ زیرا درباره امام حسن علیه السلام با وجود همه مظلومیتها و ستم هایی که به آن امام غریب روا داشتند به او نسبت خارجی ندادند، ولی درباره امام حسین علیه السلام به آن حضرت تهمت خارجی زدند به طوری که در بین مردم به گونه ای تبلیغ شده بود که هر کسی با خلیفه وقت و یزید مخالفت بکند با اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بیگانه

ص: 63

---

1- مفاتیح الجنان، ص 39 (تعقیبات نماز عصر).

است و بر امام وقت خروج کرده؛ لذا امام حسین علیه السلام با سر بریده قرآن تلاوت کرد تا بدین وسیله رفع اتهام کند و اعلام نماید که ای مردم من فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام هستم. بنابراین افزودن کلمه «ولدی» شاید تلویحا به این دو موضوع و به ویژه داستان غمبار کربلا و عاشورا اشاره داشته باشد. [\(1\)](#)

در پایان نکته ها لطیفه ای غمبار در ارتباط با کلمه «ایتینی بالكساء الیمانی» اشاره می شود، این کلمه یادآور چند «ایتینی» دیگر است:

1. ایتینی بقلم و دوات؛

2. ایتینی بثوب عتیق؛

3. ایتینی بولدی الصغیر.

در این چند مورد تنها به یک مورد توجهی نشد، و آن موردی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قلم و دوات بیاورید تا بدین وسیله توصیه به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام مکتوب گردد). اما ملعونی با بی ادبی و توهین گفت: إن الرجل لیهجر. [\(2\)](#)

ص: 64

---

1- ضمنا ممکن است کلمه «ولدی» در نسخه اصلی وجود داشته باشد و در بعضی نسخه ها از قلم افتاده باشد.

2- صحیح بخاری، ج 1، ص 45، ح 55؛ ابن ابی الحدید، ج 12، ص 21.

## ترجمه منظوم حدیث شریف کساء

ای که از خواب گرانت حسرت بیداری است\* این حدیث و این خبر از جابر انصاری است

او که نام وی به نیکی بر زبانها جاری است\* ذکر اصحاب کسا داروی هر بیماری است

گوش کن تا گویمت از آن عزیزان شرح حال

\*\*\*

شد رسول الله روزی در سرای فاطمه\* وی سلامی کرد تقدیم از برای فاطمه

یافت آنکه پاسخ عشرت فزای فاطمه\* گویم اکنون تا شود حاصل رضای فاطمه

آنچه را گفت و شنید از جمله حال و مقال

\*\*\*

گفت با صدیقه کبری رسول ذوالمنن\* این زمان احساس ضعفی می نمایم در بدن

آن کسائی را که باشد از یمن، پوشان به من\* چون که بشنید از پدر زهرای اطهر این سخن

کرد با تعجیل فرمان پدر را امثال

\*\*\*

با پدر گفتا که از ضعف بدن در این زمان\* من پناهت میدهم جانا به خلاق جهان

رفت و آورد از برای وی کسا در آن مکان\* و آن کسا گردید ابری روی مهر زرفشان

تا ببارد بر خلائق فیض او بی انفصال

\*\*\*

چون رسول الله در زیر کسا مأوی گرفت\* فی المثل ماه تمام از رخ نقاب آنجا گرفت

نور رویش سطح عرش و فرش را یکجا گرفت\* در شرف سبقت زمین از عالم بالا گرفت

مجتبی از در درآمد با جلال ذو الجلال

\*\*\*





از طریق معرفت بنمود با مادر سلام\* پاسخ خود را گرفت از دختر خیر الانام

گفت مادر جان چه رخ داده است ما را در مقام\* بوی عطری می رسد چون بوی جدم بر مشام

گفت در زیر کسا آسوده جدت از ملال

\*\*\*

سبط اکبر شد روان سوی کسا چون آفتاب\* وی سلام از روی ایمان کرد با ختمی مآب

پس جوابی جانفزا بر وی شد از احمد خطاب\* تن فدای آن سلام و جان فدای آن جواب

اذن بگرفت و نبی را شد قرین در آن مجال

\*\*\*

بعد از آن آمد حسین بن علی در آن مکان\* داد بر مادر سلام و یافت پاسخ بی امان

گفت ای مادر نسیمی می وزد در بزم جان\* چون شمیم جد محبوبم رسول انس و جان

گفت آری با حسن زیر عبا آسوده حال

\*\*\*

در دریای شهادت خامس آل عبا\* سوی دیدار نبی شد با سلامی جانفزا

گفت رخصت دارم آیا تا که باشم با شما؟\* مصطفی فرمود آری شافع امت بیا

در کسا دادی به حق جان را به جانان اتصال

\*\*\*

ساعتی افزون نشد کآمد ز در سلطان دین\* داد بر همسر سلام و یافت پاسخ این چنین

السلام از من شما را با امیر المؤمنین\* باز گفتا آیدم بویی ز فردوس برین

گویا اینجا بود پیغمبر نیکو خصال

\*\*\*

گفت آری کوی ما را او مزین کرده است\* این سرا را به ز مهر و ماه روشن کرده است

در کسا الحال با سبطین مسکن کرده است\*بزم ما را زین عمل احسن فاحسن کرده است

شد علی سوی کسا و بود محو آن جمال

\*\*\*

با پیمبر کرد چون عرض سلام آن مقتدا\*زو سپس بگرفت اذن و گشت وارد در کسا

ص: 66

نورشان گردید ساطع از زمین سوی سما\* جمعشان شد جمع و چون زهرا بدید آن جمع را

سویشان شد رهسپر با اشتیاقی بی مثال

\*\*\*

آن که باشد محور آل عبا از احترام\* با پدر بنمود با شوق و ادب عرض سلام  
تا شود ملحق به ایشان شد به اعزاز تمام\* طالب اذن دخول از حضرت خیرالانام  
عاقبت آن جمع را دخت پیمبر شد کمال

\*\*\*

آن زمان فرمود ام الاولیا خیر النساء\* اجتماع ما چو شد تکمیل در زیر کسا  
سوی حق برداشت ختم انبیا دست دعا\* خواست در هنگام نفرین و دعا از کبریا  
خصم را سوء العذاب و دوست را لحسن المال

\*\*\*

چون مقام پنج تن را دید جبریل امین\* با شگفتی کرد از یزدان سؤالی این چنین  
کیستند ایشان خداوندا مکین روی زمین؟\* با کرامات و مقام بی نظیر و بی قرین  
حق تعالی فاش گفتا در جواب این سؤال

\*\*\*

فاطمه آنجاست با باب نکوی فاطمه\* فاطمه آنجاست با سبطین و شوی فاطمه  
عالم امکان بود روشن ز روی فاطمه\* این همه مجد و علی باشد ز کوی فاطمه  
منکر این حرف را در ذات باشد اختلال

\*\*\*

آنکه آمد جبرئیل از سوی ذات لاینام\* هم سلام آورده از بهر پیمبر هم پیام  
کآفریش جمله مرهون شما باشد مدام\* آیه تطهیر هم آورده باشوق تمام

\*\*\*

باز گفتا داده اذنم خالق جان آفرین\* تا که در زیر کسا گردم شما را همنشین  
پس نبی محترم فرمود با روح الامین\* من سلام و اذن دادم تا شوی با ما قرین  
زان سبب جبریل در برج کسا بگشود بال

\*\*\*

داشت این پیغام را جبریل از سوی اله\* من نکردم خلق چیزی از سفید و از سیاه  
کشتی و دریا و خشکی، انجم و خورشید و ماه\* آن چه را دادم به حق در عالم ایجاد، راه  
جز به عشق پنج تن انوار ذات لایزال

\*\*\*

گفت با خیر البشر حیدر امام انس و جان\* محفل ما را چه سودی از برای شیعیان  
گفت هر مجلس که دارد ذکر ما را در میان\* هر گنهکار و گرفتاری بود در آن مکان  
زین توسل جملگی یابند بر مقصد وصال

\*\*\*

این بشارت را به مولا داد چون ختمی مآب\* بین چه زیبا داد و عالی پاسخش را بوتراب  
جمله «فزنا و رب العکبه» را کرد انتخاب\* مرحبا بر آن بشارت آفرین بر آن جواب  
چون که باشد بهترین سرچشمه آب زلال

\*\*\*

اهل بیته را که نزد حق شنیدی احترام\* بین چه ها کردند اعدای خدا با آن کرام  
گه به تیغ و گه به زهر و گه به آتش که به گام\* شمه ای از آن مصائب گویم و ای دل مدام  
اشک جاری کن ز چشم و در عزا چون نی بنال

\*\*\*

در دندان نبی بشکست از سنگ جفا\* شد دو تا از تیغ دشمن فرق شاه اولیا  
گاه نیلی شد ز سیلی صورت خیرالنسا\* زد شرر زهر ستم بر جسم و جان مجتبی  
پس حسین ابن علی شد راهی راه قتال

\*\*\*

سرور آزادمردان زاده خیر البشر\* سوی دشت کربلا بنمود با یاران سفر

از برای یاری دین شد به رزم اهل شر\* آن منافق لشکر شیاد از حق بیخبر

آب را بستند بر روی وی و اهل و عیال

\*\*\*

ص: 68

زاده زهرا میان خاک و خون روز عطش\*آب شد جسمش ز سوز آتش افروز عطش

کس ندارد آگهی از راز مرموز عطش\*عاقبت کشتند او را با همان سوز عطش

بر سر نی شد عیان رأس شریفش چون هلال

\*\*\*

السلام ای پنج تن، ای ال اطهار کسا\*السلام ای پنج تن، ای اولیای کبریا

السلام ای پنج تن، ای زینت ارض و سما\*با عنایات شما «نحوی» چنین گوید ثنا

ورنه در این ره سخن گفتن زوی باشد محال (1)

\*\*\*

ص: 69

---

1- سروده سید مصطفی مهدوی (نحوی).





1. قرآن مجید.
2. احقاق الحق، سید نورالله الحسینی المرعشی، تهران: منشورات المكتبة الاسلامیه، 1019 ق.
3. آیه التطهیر، آیه الله السید علی الموحد الابطحی، قم: المطبعه سیدالشهداء علیه السلام، 1405 ق.
4. آیه تطهیر و حدیث کساء، الحاج السید حسینی الموسوی الکرمانی، قم: چاپخانه علمیه قم.
5. حدیث کساء در کتب معتبر اهل سنت، علامه سید مرتضی عسگری، ترجمه:  
علی اسلامی، انتشارات مجمع علمی اسلامی.
6. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
7. عوالم العلوم، الشیخ عبدالله البحرانی، قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام، 1405 ق.
8. من فقه الزهراء علیها السلام، آیه الله العظمی السید محمد الحسینی الشیرازی، رشید، 1386 ش.

على الله فى محل الأمور توكلى

وبالخمس أصحاب الكساء توسلى

محمد المبعوث وابنيه بعده

وفاطمه الزهراء والمرضى على

\*\*\*

الى خمسه أطفى بهم حرا لجحيم الحاطمه

المصطفى والمرضى وابناهما والفاطمه

ص: 72

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

